

نقد و بررسی دانشنامه امام علی (ع)



با نام و یاد خدا و آیاتی چند از کلام الله مجید این میزگرد آغاز شد.
* طارمی:

ای خدای پاک بی انباز و یار
دست گیر و جرم ما را در گذار
گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن
مصلحی تو، ای توسلطان سخن

برنامه میزگرد ارزیابی و نقد دانشنامه امام علی (ع) را در روز دوم دی، خدمت شما فرهیختگان و فضلا و اهل قلم و دست‌اندرکاران تدوین این دانشنامه آغاز می‌کنیم. قبل از هر سخن باید به جامعه علمی و ارادتمندان امیرالمؤمنین (ع) به سبب این کار بزرگ، تبریک و به دست‌اندرکاران تدوین این مجموعه ارزشمند دست‌مریزاد بگوییم. برای کسانی که در کار گردآوری مجموعه‌های بزرگی چون دایره‌المعارف‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها هستند، روشن است که تدوین و ارائه چنین کاری، لازمه‌اش وقت‌گذاری زیاد و پی‌گیری فراوان و تلاش مستمر برای گردآوری مقالات است. بدون آن که بخواهیم مجامله

- میزگردی و تحریک دانشمندان به عنوان میراث علمی سال
امام علی (ع)
۲. بررسی پیشینه دانشنامه‌نگاری در حوزه‌های مشابه و
مقایسه با دانشنامه
۳. بررسی روش اجرایی طرح از منظر پایداری تا انتشار
۴. ساختار موضوعی منطقی ده هجرتین روشنی صیانت مهم
در مورد امام (ع)
۵. بررسی کتب و مقالات
۶. ساختار مطالب
۷. بررسی منابع به کار رفته شده در تألیف مقالات
۸. بررسی کیفیت از نظر منابع و شیوه
۹. اجرایی خردی و معیارهای دانشنامه‌نگاری
۱۰. اعتباریت و استقبال عمومی پس از انتشار

منعقدین

۱. کتاب حجت الاسلام والمسلمین مرتضی حسن طارمی
(میزگرد)
۲. کتاب حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر صادقی رشاد
میزگرد انتشار دانشنامه
۳. کتاب آقای محمد استعدادی، معاون علمی دانشنامه
۴. کتاب حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا رفعتی، مدیر
گروه حکمت و معرفت دانشنامه
۵. کتاب حجت الاسلام والمسلمین یوسفی، مدیر گروه
انتشار دانشنامه
۶. کتاب آقای ذکری زبانی، مدیر گروه مرجعیت‌شناسی
دانشنامه
۷. کتاب آقای محمد مرادی، مدیر گروه کتاب‌سازی
دانشنامه
۸. کتاب آقای علی رفیعی، مدیر گروه تحقیق
۹. کتاب آقای حسن انصاری
۱۰. کتاب آقای پناه‌الدين خرمشاهی
۱۱. کتاب آقای محمد سبحی، مدیر گروه کتاب‌خانه کتابیات



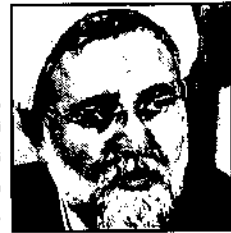
پرسش‌هایی که ما می‌توانیم در مورد این کار مطرح کنیم و در این جمع انتظار پاسخ آن را داشته باشیم، بررسی این سؤال‌ها است که فی‌المثل آیا کتابی که در اختیار ما قرار گرفته است با عنوان کلی هماهنگی پوشش موضوعی، کتاب صورت کاملی پیدا کرده است؟ آیا پیوند موضوعی مباحث رعایت شده است؟

جمع انتظار پاسخ آن را داشته باشیم، بررسی این سؤال‌ها است که فی‌المثل آیا کتابی که در اختیار ما قرار گرفته است با عنوان کلی هماهنگی دارد یا ندارد؟ آیا از نظر پوشش موضوعی، کتاب صورت کاملی پیدا کرده است یا خیر؟ آیا پیوند موضوعی مباحث رعایت شده است یا نشده؟ آیا مقالاتی که در این مجموعه نوشته شده‌اند (بیش از صد مقاله) از نظر درستی طرح مسأله، در آن‌ها این نکات رعایت شده یا رعایت نشده؟ سؤال دیگری که می‌توان مطرح کرد، آیا اساساً دانشنامه امام علی (ع) به عنوان شخص امام علی (ع) چه پیامی دارد و آیا می‌توان امام علی را مستقل از مجموعه امامت ببینیم یا نه؟ این سؤالاتی است که خود دوستان نیز در بعضی از قسمت‌های مجموعه به آن توجه کرده‌اند. پرسش در مورد مؤلفان و مجموعه کسانی که در این کار ارزشمند مساهمه داشته‌اند؛ پرسش در مورد منابعی که این مجموعه مقالات بر اساس آن فراهم آمده است؛ درباره انسجام و شمول محتوایی مقالات؛ اعتبار منابع هر مقاله؛ از نگاه کلان درباره یک‌دستی نثر دانشنامه؛ درباره ضابط اعلام و یک‌دستی آن‌ها؛ همه این‌ها مطالبی است که

کنیم و یا از دور دستی در آتش داشته باشیم، به انجام رساندن این کار در زمانی کوتاه، بسیار فوق‌العاده و ارزشمند است. گوینده این سخن خود درگیر چنین فعالیتی است و به جد معترف است که کار بزرگی در طول زمان کوتاهی انجام گرفته است. کتاب ماه کلیات این جلسه را به این دلیل تدارک دیده است که جنبه‌های گوناگون چنین کاری بررسی شود و اگر در بعضی قسمت‌ها کاستی و خللی باشد با رایزنی و کنکاشی که در این نشست صمیمی صورت می‌پذیرد، برای کارهای بعدی تدارک شود تا - ان شاء الله - کار، کمال بیش‌تری پیدا کند. هم‌چنان که در مقدمه همین مجموعه گفته شده است که امیدوار هستیم که برای ویراست‌های بعدی، چنین کارهایی را انجام دهند. در هر صورت با تشکر مجدد و خیر مقدم به شرکت‌کنندگان، برنامه را شروع می‌کنیم. اجمالاً کار دانشنامه امام علی (ع) که در سیزده جلد (با جلد درآمد) عرضه شده است، از ابعاد گوناگون درخور بررسی است. از ابعاد ساختاری، زبانی، شکلی و محتوایی.

پرسش‌هایی که ما می‌توانیم در مورد این کار مطرح کنیم و در این

رشاد :



دانشنامه امام علی (ع) مجموعاً مشتمل بر ۱۲ جلد متن و یک جلد درآمد است و در ده محور کلان از مباحث فلسفی و الاهیات آغاز شده و به حقوق اقتصاد و بحث‌های نظری سیاست تاریخ و سیره منبع‌شناسی و کتب مرجع راجع به امیر (ع) پایان پذیرفته است.

مایلم در این جلسه از زبان دست‌اندرکاران مجموعه و فضایی که با این مجموعه مواجه شدند و مراجعه و بررسی کردند بشنویم و آشنا شویم. گمان می‌کنم به‌ترین کار این باشد که قبل از هر سخنی از خدمت حجت الاسلام جناب آقای رشاد، سروراستار این مجموعه، تقاضا کنیم که درباره این دانشنامه و اهداف آن، که به مناسبت سال امام علی (ع) تنوین شده است ما را مستفید کنند.

* رشاد: ابتدا مانند همیشه از ساحت مقدس مولی الموحدین امیر المؤمنین (ع) سپاسگزارم، که بنده بی‌بضاعت و جمع لایق دوستان را توفیق انجام خدمتی چنین بزرگ و سترگ، عنایت فرمودند. جز توجه و عطف نظر توأم با لطف آن بزرگوار، این مجموعه ارجحند و گسترده نمی‌توانست سامان پیدا کند. در فاصله کمتر از بیست ماه با همکاری حدود دویست نفر مؤلفه ویراستار، کارشناسان علمی و اعضای گروه‌ها، یک مجموعه ۱۳.۱۲ جلدی را سامان دادن، جز با لطف و عنایت آسمانی و قدسی چون مولا، دست یافتنی نیست. دانشنامه امام علی (ع) مجموعاً مشتمل بر ۱۲ جلد متن و یک جلد درآمد است و در ده محور کلان از مباحث فلسفی و الاهیات آغاز شده و به حقوق اقتصاد و بحث‌های نظری سیاست تاریخ و سیره منبع‌شناسی و کتب مرجع راجع به امیر (ع) پایان پذیرفته است. این مجموعه در قیاس با گسترده نگاشته‌های مشابه، از ویژگی‌هایی برخوردار است. از جمله این ویژگی‌ها، روزآمد بودن مباحث مطرح شده در این دانشنامه است. کوشش همکاران و دوستان ما این بود که مباحث امروز، مسائل انسان معاصر و پاره‌ای از نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی که امروزه در جهان مطرح است و نیاز بشر امروز، در مطالعه اندیشه‌ها و تعالیم آن بزرگوار مد نظر باشد. در واقع مباحث جدید و مسائل انسان معاصر در محضر حضرت امیر عرضه شود و پاسخ طلبیده شود؛ زیرا امام علی و مکتبشان همواره زنده و نجات‌بخش است و همواره بشر (به‌خصوص بشر معاصر) به آموزه‌ها و تعالیم آن بزرگوار نیازمند است. توجه به مباحث روز و مکاتب و مناظر نو و نیازهای جدید از ویژگی‌هایی است که در دانشنامه ملحوظا بوده است. بررسی مقایسه‌ای پاره‌ای از نظریات علمی و متفکران و

صاحبان مکاتب معاصر در مقالات به حسب موضوع، ویژگی دیگر دانشنامه است. تنوع موضوعات و جامعیت نسبی مجموعه از آنجا است که دانشنامه درباره یک شخصیت صاحب مکتب نگاشته شده است کسی که خود در همه عرصه‌ها و حوزه‌ها نظر داشته و در میدان عمل بوده است. چه بحث‌های حکمی فکری و اندیشه‌ای و چه بحث‌های سیروی، محل بحث و مطالعه این دانشنامه بوده است و در نتیجه از موضوعات متناسب با شأن آن بزرگوار و مرتبط با شخصیت آن بزرگوار، در این دانشنامه مطالب و مقالاتی آمده است. جهت دیگری که باز باید از ویژگی‌های این دانشنامه قلمداد شود، تتبع نسبتاً گسترده‌ای است که در منابع صورت بسته و درحد میسور، روایات و احادیث و کلمات آن بزرگوار استقصا شده و تا جایی که می‌شده، در موضوعات خاص، مورد استناد مقالات قرار گرفته است. جهت دیگری که می‌تواند به عنوان ویژگی این اثر در قیاس با گسترده نگاشته‌های مشابه قلمداد شود، سعی بر استفاده از زبان علمی و نثر معیار در هر موضوع بوده است. همان‌طور که توجه دارید، مقالات فلسفی، عرفانی، اقتصادی، سیاست، حقوق و تفسیر و بحث‌های معرفت‌شناختی، هر کدام نثر و لسان خودش را دارد و سعی شده که زبان فن آن رشته و آن موضوع لحاظ شود و کمتر شعارپردازی و آوازه‌گری شود. جهت دیگری که در قیاس با کارهای مشابه بتوان روی آن انگشت تأکید نهاد، اشتمال این مجموعه بر منابع بسیار است. دوهزار و پنج منبع غیر مکرر در مجموعه مقالات این دانشنامه مورد استناد بوده است. شاید کمتر مجموعه‌ای را سراغ داشته باشیم که تا این مایه، متکی بر منابع اصیل و معتبر باشد. جهات و ویژگی‌های دیگری هم در مجموعه دانشنامه امام علی (ع) منظور بوده است و پاره‌ای از آن هم اتفاق افتاده، بعضی از موارد را ما در صد بودیم احیاناً موفق نشدیم که دست پیدا کنیم و بعضی از این ویژگی‌ها را دوستان توضیح خواهند داد. دوستانی که بیش از من در کار دانشنامه مباشرت داشته‌اند.

* طارمی: با تشکر از آقای رشاد؛ دوستان هم در مورد نکاتی که فرمودید توجه خواهند کرد و اگر مطلبی هست بعداً خواهیم شنید. برای این که در ابتدای بحثه گزارش کاملی از دانشنامه داشته باشیم از جناب آقای اسفندیاری معاون علمی، پژوهشی دانشنامه و ویراستار مجموعه، خواهش می‌کنیم که روش اجرای طرح را از آغاز مرحله مدخل‌گزینی تا انتشار، گزارش دهند.

* اسفندیاری: لازم می‌دانم در آغاز سخن توضیح کلی‌ای در مورد دانشنامه عرض کنم که حداقل یک بار در ابتدای جلسه، این کتاب در



کلیت و هندسه و ساختارش شناسانده شود. دانشنامه در دوازده جلد، به علاوه یک جلد درآمد، شامل ۱۱۰ مقاله و در بردارنده ۶۰۰۰ صفحه و مشتمل بر ده موضوع است. این دانشنامه مبتنی بر بیش از ۲۰۰۰ مأخذ است. حجم هر مقاله به طور میانگین ۵۰ صفحه می‌باشد، تقریباً مقالات دانشنامه از مقالات بلند قلمداد می‌شود و در کل دانشنامه از دو موضوع سخن گفته شده است: اولاً از امیر المؤمنین علی (ع) و ثانیاً در باره آن حضرت. چنان که در مقدمه این اثر گفته شده این کتاب دانشنامه یا سیکلوپدی است. به عبارت دیگر دائره المعارف و یا اینسیکلوپدی نیست؛ یک کتاب تخصصی است و یا دقیق‌تر است که بگوییم که یک کتاب اختصاصی است. البته این که اطلاق دانشنامه بر این کتاب شده، به مفهوم لغوی و تاریخی است، نه به مفهوم اصطلاحی و عصری. یعنی همان طوری که ابن سینا کتابی تحت عنوان دانشنامه علائی دارد یا محمدمبین استرآبادی کتابی تحت عنوان دانشنامه شاهی دارد، این کتاب هم دانشنامه امیر المؤمنین است. ما بیشتر، دانشنامه را به مفهوم لغوی و تاریخی اراده کردیم تا مفهوم اصطلاحی و عصری. این کتاب نظم قبایی ندارد. هکذا نظم موضوعی و الفبایی هم ندارد، بلکه به اقتضای بحث، نظم موضوعی منطقی دارد، یعنی بحث از یک جا، که الا و لابد باید شروع می‌شد. آغاز شده و در آن جا که به لحاظ منطقی باید تمام می‌شد، پایان پذیرفته است.

بویژه خواننده هم‌روزگار ما، مطلب دیگری هم بیان کند و سؤالش این باشد: «ثم ماذا؟» حال که ولایت امیر المؤمنین ثابت شد، حالا چی؟ از امیر المؤمنین چه معارفی در دست است و چه می‌توان به ما ارائه کرد؟ بله حقیقت از آن امیر المؤمنین بوده و اسلام امامت، درست، حال از ائمه طاهرین، بویژه از امیر المؤمنین چه معارفی در دست است؟ ما در دانشنامه امام علی سعی کردیم به این «ثم ماذا» که خواننده و بویژه هم‌روزگاران ما می‌پرسند، پاسخ دهیم. به عبارت دیگر ما از آنجا آغاز نکردیم، که دیگر متکلمان و بزرگان شیعه آغاز کردند، بلکه ما از آنجا آغاز کردیم که آنان به پایان برده‌اند. می‌توان گفت راه آنان را به عبارتی ادامه داده‌ایم نه این که عیناً از آن‌ها پیروی کرده باشیم. چون آنان، به ویژه با دنیای مدرنی که در آن زندگی می‌کنیم، دیگر چندان و یا به شدت و حدت سابق، مسئله شیعه و سنی مطرح نیست؛ الآن اسلام و یا جز اسلام مطرح است. حتی برای هم‌روزگاران ما پذیرش اسلام به عنوان یک دین، به عنوان یک چیز متفاوتی، مشکل نیست؛ در پذیرش اسلام به عنوان یک متفاوت یک اتفاق نظر است.

آن چه که در این دانشنامه به نظر می‌رسد، مهم است، روی کرد و به قول عرب‌ها توجهی است که ما به امیر المؤمنین داشتیم. من در ابتدا توضیحی عرض کنم و آن این که در سده اخیر - همان طور که مستحضر هستید - سه تن از اساتید و بزرگان شیعه در گسترش فضایل اهل بیت و امیر المؤمنین و اثبات موضوع ولایت، بسیار کوشش کرده‌اند. یکی مرحوم میرحامد حسین هندی با تألیف کتاب بسیار ارزنده‌ی عقبات الاتوار، مرحوم سید ابوالحسین شرف‌الدین با کتاب النص و الاجتهاد و المراجعات و کتابهای دیگر و سرانجام مرحوم علامه امینی به ویژه با کتاب التذیر. اگر همه کتابها را ما خلاصه و خوش‌خوان کنیم و در یک جلد در دست هر خواننده منصفی قرار دهیم، به نظر می‌رسد که این خواننده منصف، چیزی می‌گوید: او می‌گوید: «سَلَمْنَا قُتِبَتْ وَ لَایَةُ عَلِيٍّ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ»، قبول، تسلیم شدیم، ولایت از آن امیر المؤمنین است، شیعه مذهب حقه است و اسلام امامت، اسلام درست و منطقی و ادامه اسلام پیامبر است. این را حدس می‌زنم که هر کس این کتابها و یا کتاب‌هایی که اساتید شیعه در سده‌های پیشین داشتند را بخواند، چنین چیزی می‌گوید. اما ممکن است این خواننده،

آن چیزی که الآن فاضلان و تحصیل‌کردگان جامعه توقع دارند، معرفت‌شناسی اسلام است نه متفاوتیک آن، متفاوتیک آن را بحثی شخصی می‌دانند و زیاد مورد بحث نیست، حالا می‌خواهند بدانند که اسلام و دستگاه علمی و معرفتی آن چیست؟ ما در دانشنامه سعی کرده‌ایم از این زاویه وارد شویم یعنی روی کرد عصری به امیر المؤمنین



اسفندیاری:

آن چیزی که این فاضلان و تحصیل‌کردگان جامعه توقع دارند معرفت‌شناسی اسلام است نه متافیزیک آن، متافیزیک آن را بحثی شخصی می‌دانند و زیاد مورد بحث نیست، حالا می‌خواهند بدانند که اسلام و دستگاه علمی و معرفتی آن چیست؟ ما در دانشنامه سعی کرده‌ایم از این زاویه وارد شویم یعنی روی کرد عصری به امیرالمؤمنین داشتیم

داشتیم و یک سری از مسائل مستحدثه و جدید را به محضر آن حضرت برده‌ایم؛ از آن حضرت استفتا کرده‌ایم و از آن حضرت خواسته‌ایم که به این مسائل پاسخ دهند. ائمه طاهرين به دو لحاظ برای ما مرجعیت دارند، یکی مرجعیت سیاسی و دیگری مرجعیت علمی دارند. ما الآن مرجعیت سیاسی را نمی‌توانیم به ائمه طاهرين برگردانیم؛ این قضیه‌ای تاریخی بوده که جریان خلافت و حکومت به دست آن‌ها نرسیده است، لذا چندان سخن ما در باب حدیث غدیر: "مَنْ كُنْتُ مُوَلَّاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مُوَلَّاهُ" به عنوان اولویت سیاسی امیرالمؤمنین نیست. چون اگر همه اهل سنت هم بیایند به حکومت امیرالمؤمنین تن دهند، دیگر آن قضیه رفته است. علاوه بر مرجعیت سیاسی، ائمه طاهرين، مرجعیت علمی و مرجعیت فرهنگی هم داشتند که آن مقدم بر مرجعیت سیاسی است. چون رسول خدا فرمود "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا؛ اینجا مرجعیت علمی به امیرالمؤمنین واگذار می‌شود یا طبق حدیث نقلین که از طریق شیعہ و سنی متواتراً، لفظاً و معناً رسیده است پیامبر فرمودند: "بعد از خودم دو وزنه به جای می‌گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری عترتم؛ این تعبیر عترتم از طریق اهل سنت هم رسیده است، ما در پی این مسئله بودیم که مرجعیت علمی امیرالمؤمنین را نشان دهیم و نشان دهیم که دانش و حکمت در سراسر تاریخ، مالکی چون امیرالمؤمنین ندارد.

گاه دیده می‌شود برخی (حتی شیعہ) به مرجعیت علمی و مرجعیت فرهنگی ائمه، خیلی توجه ندارند. اگر در دست کسی فصوص الحکم یا اسفار ببینند آن فرد را بسیار فاضل و تحصیل کرده تلقی می‌کنند، اما در دست کس دیگری اصول کافی و یا تحف العقول ببینند تصور می‌کنند که فرد متدین و مقدسی می‌باشد یعنی به اصول کافی و تحف العقول با زاویه دید فرهنگی نگاه نمی‌شود، فقط به عنوان این که مجموعه‌ای از روایات و احیاناً اخلاقیات هستند و ممکن است که به اهل بیت به عنوان آقازاده‌هایی نورانی نگریسته شود. آن چه که در میان شیعہ کم و بیش موجود است و در جاهای دیگر باید زنده شود، مرجعیت فرهنگی و علمی اهل بیت است. ما در این دانشنامه کوشیده‌ایم که این مرجعیت را نشان دهیم و البته به تبعیت شیخ طوسی. در آغاز کتاب تلخیص الشافی ایشان جمله‌ای بسیار ارزنده و آموزنده دارد، حال که این سخن از شیخ طوسی نیست. ایشان می‌فرمایند: "مشایخ ما به این صورت بوده‌اند که در هر موضوعی که وارد می‌شدند سعی می‌کردند دلایل زمان پسند بیاورند. به حساسیت‌ها و دغدغه‌های عصر خود توجه می‌کردند و نهایت کوشش آن‌ها استقصاء مقتضه

أزمنتهم من الأدله و الکلام" بوده است؛ دنبال ادله و بلخانی بودند که زمان پسند باشد و عنایت به مقتضیات زمان شود. "در دانشنامه این هم مد نظر ما بوده است که مسائل عصری و نه تنها مسائل تاریخی، به محضر امیرالمؤمنین برده شود و از آن حضرت پرسیده شود و پاسخ گرفته شود. حال این نهایت کوشش ما در این دانشنامه بود و ما تا چه اندازه موفق شده‌ایم بحث دیگری است.

* طارمی: باتشکر از آقای اسفندیاری بابت بحث شیرینی که داشتند، البته سرنوشت کار را از ایشان طلب می‌کنیم، روی کرد کلی را شما فرمودید ولی ما مایلیم که سیر کاری را که در مقام اجرا طی کردید، بدانیم. خصوصاً با توجه ابداع اصطلاحی که شما کرده‌اید، یعنی لفظ دانشنامه را که در زمان ما وضع تعینی دارد، بر شیء دیگری اطلاق کردید، به اعتبار "من تلبس بالمبدأ، لذا از آقای رفیعی خواهش می‌کنیم در این باب نظری دهند. به طور کلی در مورد دانشنامه‌نگاری و پیشینه موضوع، صحبتی بفرمایند و با این دانشنامه مقایسه کنند. جناب آقای رفیعی خودشان از نویسندگان این مجموعه هم هستند. لطف کنید به این سؤال ما پاسخ دهید که انصراف دانشنامه از معنی امروزی به معنای گذشته، کار مطلوبی است یا مطلوب نیست؟

* رفیعی: سؤالی را که شما فرمودید، آقای اسفندیاری جواب فرمودند. منتها آن عنوانی که در روی کتاب به عنوان دانشنامه قرار گرفته در سرچای خود باقی است و نمی‌توان از آن عنوان گذشت. پیشینه دایره‌المعارف نویسی به قرن‌ها پیش از اسلام بر می‌گردد. ما آن چه را که در مورد دایره‌المعارف نویسی و یا دایره‌المعارف گونه‌نویسی یا دانشنامه‌نویسی در تاریخ داریم، برای نخستین بار توسط چینی‌ها در ۱۵ قرن پیش از میلاد مسیح بوده است. بعد از چینی‌ها، یونانی‌ها اقدام به نوعی دایره‌المعارف نویسی، شیعیه امروز کردند که آن را به برادر زاده افلاطون اسپسیوس نسبت می‌دهند. او در یونان اولین کسی بوده که اقدام به نوشتن دایره‌المعارف یا علوم متداول آن روز کرده است. در دوره اسلامی، با توجه به احادیثی که از پیامبر اکرم و ائمه طاهرين راجع به این گونه نوشتارها سفارش کرده‌اند، فکر می‌کنم از اوایل نیمه دوم قرن سوم هجری، علمای اسلام اقدام به نوشتن دایره‌المعارف گونه‌ها کرده‌اند، نه دایره‌المعارف و دانشنامه‌های امروزی. بهتر است به چند روایتی که یادداشت کرده‌ام اشاره کنیم پیامبر اکرم فرمود: "أَلِيمٌ أَكْثَرُ مِنْ يَحْصِي فُخْدٌ مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنُهُ" یعنی دامنه علم آن قدر گسترده است که نمی‌توان آن را به شماره در آورد و یا به آن دسترس پیدا کرد، پس به‌ترین راه، این است که به‌ترین‌ها را گزینش کرد و آن را به دست آورد. روایتی شبیه این روایت از حضرت علی است با این تفاوت که "أَلِيمٌ أَكْثَرُ مِنْ يُحَاطُ بِهِ فُخْدُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنُهُ" که مانند عبارت پیشین است. در روایتی دیگر حضرت علی فرمود: "خُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَرْوَاحَهُ وَ دَعُوا ظُرُوفَهُ فَإِنَّ الْعَمْرَ قَسِيرٌ وَ الْعِلْمُ كَثِيرٌ" از هر دانشی روح، لب لیب و عصاره‌اش را بگیرد و ظروفش را رها کنید چون علم خیلی

عالم علم



طارمی:
 بدون آن که بخواهیم مجامعه کنیم و یا از دور دستی در آتش داشته باشیم، به انجام رساندن این کار در زمانی کوتاه، بسیار فوق العاده و ارزشمند است. گوینده این سخن خود درگیر چنین فعالیتی است و به جد معترف است که کار بزرگی در طول زمان کوتاهی انجام گرفته است

فراوان و گسترده است و عمر ما کوتاه.

با توجه به این رهنمودهایی که پیغمبر و ائمه طاهرین داده‌اند و با توجه به امکانات آن روزگار و حتی روزگار ما برای خرید کتاب و یا به دست آوردن کتب مختلف و علوم مختلفه علما و اندیشمندان بزرگ اسلامی به این فکر افتادند که اقدام به تنوین نوعی نوشته‌ها و مجموعه‌هایی کنند که آن مجموعه‌ها، کلیات همه علوم را در بر داشته باشد، که اگر کسی بخواهد به مجموعه آن علوم دسترسی پیدا کند و کلیاتش را به دست آورد، بتواند از آن‌ها استفاده کند، بنون آن که پول و عمر فراوانی را صرف کند، به تمام کلیات علوم دسترسی پیدا کند. از اولین کارهای دائره‌المعارف‌گونه‌ای، کتاب الحیوان جاحظ را می‌توان نام برد که در حدود ۲۵۵ هـ.ق. تألیف شده است. بعد از آن، کتاب‌های بسیاری در قرن چهارم، مانند اقسام العلوم بلخی، احصاء العلوم فارابی، مفاتیح العلوم خوارزمی، الفهرست ابن ندیم و در سده پنجم مراتب العلوم ابن مسکویه شفا و قانون بوعلی سینا، از این دست کتاب‌ها، در سده ششم، احیاء العلوم غزالی، طبقات العلوم ابی‌وردی و این گونه کتاب‌ها زیاد نوشته شده است و در سده‌های بعد تا عصر خودمان نیز این کار در جهان اسلام ادامه داشته است. منتها این دائره‌المعارف‌ها یا دائره‌المعارف‌گونه‌ها به سبک امروزی که به صورت الفبایی تنظیم شده باشد یا نبوده و یا انگشت‌شمار بوده است و بیش‌تر آن‌ها را با طبقه‌بندی‌های مختلفی که در حوزه علوم انجام گرفته است، به صورت موضوعی نوشته‌اند.

گفت با این که در همان آغاز یک نوع رقابت و یا عدم مقبولیتی در جهان عرب برای این اصطلاح بود. چون در مقابل دائره‌المعارف کلمه موسوعه را گذاشته بودند یعنی آنها موسوعه را بیش‌تر از دائره‌المعارف قبول داشتند. اما پس از ترجمه دائره‌المعارف اسلام در جهان عرب و اسلام، اصطلاح دائره‌المعارف مقبولیت عام پیدا کرد. در ایران هم، بعد از نوشته شدن لغتنامه مرحوم دهخدا که بیش‌تر حالت لغتنامه دارد تا دائره‌المعارف و با تسامح می‌توان آن را دائره‌المعارف نامید، چون شامل مسائل جغرافیایی، تاریخ، اقتصاد، فرهنگ ادب و مسائل دیگر هم می‌شود و دائره‌المعارف فارسی مرحوم مصاحب و دائره‌المعارف‌های دیگری هم که قبل از انقلاب در ایران نوشته شد، اصطلاح دائره‌المعارف وارد حوزه ایران و جهان اسلام گردید. اما حال این که این دانشنامه امام علی(ع) تا چه حدی به دائره‌المعارف‌ها و دانشنامه‌ها نزدیک است، به هیچ وجهی این دانشنامه با دائره‌المعارف‌ها و دانشنامه‌های رایج و حتی قبل از دائره‌المعارف‌های امروزی شباهت ندارد. یعنی می‌توان گفت که کتابی تخصصی در مورد امام علی(ع) است نه دانشنامه و نه دائره‌المعارف.

در سده‌های اخیر می‌توانیم از کتاب کشف‌الظنون، بحار الانوار مرحوم علامه مجلسی، جام جم جمی، الذریعه آقابزرگ تهرانی را نام ببریم. تمام این‌ها دائره‌المعارف‌گونه هستند نه دائره‌المعارف امروزی. می‌توان گفت اروپاییان در نوشتن دائره‌المعارف به سبک استاندارد امروزی پیشقدم هستند، این دائره‌المعارف‌ها به صورت الفبایی تنظیم می‌شوند، حالت خاص ورود و خروج مقالات در آن‌ها رعایت شده، مدارک و مراجع هر مقاله در متن خود مقاله و بیان آن آمده، نام نویسنده در پایان آن آمده است. مهم‌ترین دائره‌المعارفی که در اروپا نوشته شد و مربوط به جهان اسلام است، همان دائره‌المعارف اسلام است، که به سه زبان آلمانی، انگلیسی و فرانسه نوشته شده و پس از آن، در جهان اسلام، اول در مصر به عربی ترجمه شده البته نه به طور کامل و بعد به زبان ترکی در ترکیه ترجمه شد، به زبان اردو در پاکستان و در هند ترجمه شد و در ایران هم بخش کوتاه و اندکی از حرف آ و الف به نام دانشنامه ایران و اسلام ترجمه شد. با توجه به این ترجمه‌ها که در جهان اسلام انجام گرفت و با توجه به نوشته شدن دائره‌المعارف بطوروس بستانی در سال ۱۲۹۳ هـ.ق. عنوان و کلمه یا اصطلاح دائره‌المعارف وارد فرهنگ ایران و عرب شد.

همان طور که جناب آقای اسفندیاری اشاره کردند، اگرچه من آن اصطلاح و مفهومی را که ایشان برای دانشنامه ذکر کردند، شاید قبول نداشته باشم ولی چون ایشان اشاره کردند، می‌توان گفت که اصلاً ربطی به دائره‌المعارف ندارد، یعنی نه به آن صورت، ترتیب موضوعی دارد و نه ترتیب الفبایی در آن رعایت شده است و نه ترتیب دانشنامه‌ای دارد. کتاب خاصی است، با موضوعات خاصی در مورد حضرت علی(ع)، که در جای خودش بسیار مهم و ارزشمند است. اما هیچ گونه ضوابط و معیارهای دائره‌المعارف‌نگاری در آن رعایت نشده است. نه تنها ترتیب و چینش موضوع‌ها و عناوین و مدخل‌ها، بلکه نوشتن مقالات، ورود و خروج مقالات، نحوه ارجاع‌دهی در مقالات، هیچ‌کدام در دانشنامه به مفهوم رایج و اصطلاح خاص خودش، وجود ندارد.

بعد از دائره‌المعارف بستانی، دائره‌المعارف فرید وجدی و دائره‌المعارف فولاد افرام و ترجمه دائره‌المعارف اسلام، تقریباً می‌توان

* طارمی: با تشکر از توضیحاتی که فرمودید. در مورد این نکته که شاید تا این جا مهم‌ترین پرسش باشد، بهتر است، بحث بعدی را آغاز کنیم چرا دست‌اندرکاران این مجموعه به این عنوان علاقه‌مند بودند و این عنوان را انتخاب کردند و تا چه حدی عنوان با کتاب تطبیق دارد؟ با توجه به توضیحاتی که جناب اسفندیاری فرمودند، و آقای رفیعی اشاره کردند آیا مطلبی باقی است؟ یا از این بحث بگذریم، اگر دوستان نظری دارند بشنویم و به سرفصل بعدی بپردازیم.



به نظر من این دانشنامه حضرت امیر را باید دومین دانشنامه
حضرت امیر دانست. چون در تاریخ ما این طور که در نظر من
است. کس دیگری دانشنامه ای برای حضرت امیر نوشته است،
آن هم در حدود ۳۰ سال پیش.

عرض کردم، اخیراً بسیار متعارف شده است. دوستان ما هم که از تعبیر اولیه و پیشنهادی من یعنی "اندیشه‌نامه امام علی" عدول کردند، به همین خاطر بود؛ تأکید بعضی از اهل فضل و فن که از محتوا، ساختار، غنا، جامعیت و گستردگی کار مطلع شدند، هم مشوق ما در انتخاب نام دانشنامه امام علی (ع) بود. من فکر می‌کنم که شرط اطلاق عنوان دانشنامه، القیابی بودن نیست و الان این شرط تقریباً منتهی می‌شود. در کشورهای اروپایی هم بسیار متداول شده است، که بدون آن که رعایت ترتیب القیابی شود، محور و معیار را ساختار موضوعی می‌گذارند؛ به خصوص در دایره‌المعارف‌هایی که به زبان‌های دیگر ترجمه می‌شود، خود به خود ترتیب القیابی به هم می‌ریزد. در حقیقت چون کاربردی بودن این اثر مد نظر دوستان بود، از جمله ابلاغاتی که در این دانشنامه صورت گرفت، انتخاب ساختار موضوعی برای آن بود. در مجموع، خیلی هم الزامی نیست که ما به اصطلاحاتی که در مقطعی از تاریخ جعل شده و تدریجاً تغییر می‌کند مقید باشیم. همان طور که از گزارش جناب آقای رفیعی استفاده کردیم از حدود ۳۵۰۰ سال پیش تدوین گسترده‌نگاشته‌ها آغاز شده و در مسیر خود، تحول فراوانی پیدا کرده است. دو سال پیش در مسکو، از مرحوم علامه مجلسی به عنوان یکی از پیشقدمان و پیش‌کسوتان دایره‌المعارف نویسی تجلیل شد. با این که بحار الانوار، ممکن است دایره‌المعارف به معنای مصطلح نباشد، اما به هر حال، یک موسوعه ۱۱۰ جلدی است و بسیار بی‌سابقه است و ما به آن مباحثات می‌کنیم. با وجود این، من شخصاً بر نام پیشنهادی خود مصر بودم، ولی از جانب دوستان و هم‌کاران داخل مجموعه و هم از بیرون، تأکید و اصرار شد و بسیاری از افراد هم این تحول ساختاری را در مجموعه‌نویسی کم و بیش ستودند.

* رشاد: با تشکر از نظرات دوستان؛ همان طور که آقای رفیعی گزارشی از تطور و موارد و مصادیق گسترده‌نگاری ارائه کردند، این که موسوعه و گسترده‌نگاشته با چه مختصاتی تعریف شود و چه عنوانی روی آن گذاشته شود، یک بحث فنی و به جا است. القیابی بودن مباحثه عنوان‌ها و مدخل‌ها و یا جمعی نگاشته شدن یک مجموعه و موسوعه و احیاناً مذهب و ملّخص و فشرده بودن مقالات، یا رعایت یک سلسله اصول نگارشی یا پژوهشی در سامان‌بخشی به اثر، همه این‌ها جهاتی است که نوعاً در نمونه‌های شناخته‌شده آثاری که به عنوان دایره‌المعارف عرضه می‌شود، رعایت می‌شود. اما امروز دانشنامه‌ها و دایره‌المعارف‌هایی با همین عناوین در زبان‌های مختلف نگاشته می‌شود که بعضی از این مختصات در آن رعایت نمی‌شود؛ رسماً معروف به دایره‌المعارف و دانشنامه است، معتبر است، مرجع و منبع است، ولی لزوماً ترتیب القیابی در آن رعایت نمی‌شود و همه این جهات در آن مد نظر نیست. به هر حال، عملاً دنیا به این سمت پیش رفته که موسوعه‌ها و گسترده‌نگاشته‌هایی را فراهم کند، که گاه ترتیب القیابی در آن رعایت شده، گاه ملاک تخصص موضوعی است. چون دایره‌المعارف‌ها یا به لحاظ رشته و حوزه علمی خاص تدوین می‌شوند، مانند علوم عقلی، فلسفه به معنای عام و یا خاص، مانند فلسفه معرفت یا معرفت‌شناسی، گاه در مورد دین یا مکتبی خاص است، گاه در مورد یک کشور یا نوعی از انواع موجودات است، مثل گیاهان و حیوانات، ولی مضامین، مفاهیم و مدخل‌ها بر اساس ترتیب القیابی تدوین می‌شود؛ گاهی هم ساختار آن موضوعی است. یعنی در یک رشته علمی و در یک وادی مشخص، مفاهیم و معانی لازم از دیدگاه‌های گوناگون مطرح می‌شود، بدون آن که ترتیب القیابی رعایت شود و این روش دوم که



* طارمی: به سراغ بحث بعدی می‌رویم و سرفصل دیگری را درباره ساختار موضوعی مدخل‌ها مطرح می‌کنیم. با این دید که اگر عنوان، دانشنامه است، چه انتظاری (منهای قضیه الفبایی) در مورد پوشش موضوعی، داریم. آیا این اصطلاح در کار ارزش مندی که صورت گرفته، رعایت شده یا نشده؟ آیا به لحاظ ارتباط، موضوعات با یک‌دیگر هم‌پوشانی ندارند؟ آیا همه موضوعات، بر محور امیر(ع) - به تعبیر آقای اسفندیاری از حضرت و درباره آن حضرت - آمده و آیا باهم ارتباط منطقی دارند؟

* سمیعی: همان طور که فرمودید، ما بحث را در این زمینه که آیا نظام موضوعی‌ای که حاکم بر این مجموعه است، نظام موضوعی مطابق با ضوابط دانشنامه‌نویسی هست یا نیست، رها می‌کنیم و وارد همین نظام فعلی می‌شویم. همان طور که می‌دانید، علوم اسلامی به معنای سنتی خودش، ساختار موضوعی منطقی و قابل اطمینانی دارد. ولی ساختاری جدید و امروزی هم در مورد موضوعات داریم که با آن ساختار سنتی متفاوت است. فرض کنید ما در موضوعات جدید، مباحث جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم سیاسی را با ساختار نوین خودشان داریم که در تقسیم‌بندی سنتی لحاظ نشده‌اند. بعضی مدخل‌ها، آن جا خیلی مورد توجه بوده و به صورت استاندارد برگزیده شده و برخی دیگر در علوم جدید برگزیده شده است. کلاً تمام موسوعه‌های از این دست، که می‌خواهند مسائل اسلامی را در معیارهای جدید مطرح کنند، این مشکل را دارند و نظامی را که انتخاب می‌کنند قدری مشوش می‌شود. یعنی از یک سو باید متکی به ساختارهای پیشین باشند، چون بسیاری از مصادیق و منابع و سوابق بحثه در آن ساختارها مطرح شده است و از سوی دیگر، می‌خواهند مسائل امروزی را حل کنند و به نیازهای عصری پاسخ دهند. چون این

دو ساختار باهم هم‌خوانی ندارند، نارسایی‌هایی در نظام موضوعی ایجاد می‌شود؛ این طبیعی است؛ هر جا بخواهد ساختار موضوعی‌ای ارائه دهد که این دو بخش را پوشش دهد، تا اندازه‌ای طبیعی است، که مناخل آن جامع و مانع نباشد و بعضی مدخل‌ها دچار هم‌پوشانی شوند.

این مشکل را می‌توان با راه‌کارهایی تقلیل داد. به عنوان نمونه، سرفصل "حقوق" را در جلد پنجم دانشنامه بررسی می‌کنیم، تا ببینیم چطور این مسئله پیش آمده است. اولین مقاله در این سرفصل، در مورد فقه با عنوان "آمام علی(ع) و فقه" است. این روی‌کردی سنتی است، همان طور که می‌دانید، فقه و حقوق ارتباط دارند ولی کاملاً مجزا هستند، بخش عبادات فقه، اصلاً در حقوق مطرح نمی‌شود و کلاً تعریف و موضوع و هدف دو علم کاملاً متفاوت است. دومین مقاله "حقوق بشر" است. جای‌گاه حقوق بشر، از آن جهت که قواعد و مباحث آن، مباحث الزام‌آور نیستند، در علم حقوق نیست، جایش در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. عنوان سومین مقاله "حقوق زن" است، گرچه لفظ حقوق در حقوق زن، به کار رفته، ولی چنین سرفصلی در علم حقوق نداریم، جای حقوق زن در مباحث جامعه‌شناسی در اقشار اجتماعی است. عنوان چهارمین مقاله "حقوق متقابل مردم و حکومت" است که در تقسیم‌بندی جدید در علوم سیاسی قرار می‌گیرد. مقاله پنجم "جرم‌شناسی" است، که گرچه رشته مستقلی است ولی در مجموعه حقوق می‌آید و جای آن درست است.

مقاله بعدی "پیش‌گیری از جرم" است که اصلاً ربطی به علم حقوق ندارد و در مباحث روان‌شناسی و علوم تربیتی یا جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد، "حقوق مجرمان" و "آیین دادرسی" هم جزء مباحث حقوق است. بنا بر این از ۹ مدخل و مقاله‌ای که در مجلد حقوق آورده شده، فقط ۳ تا در جای صحیح خود قرار گرفته‌اند. البته این تا حدی طبیعی

است، ما مجبوریم فقه را در مباحث حقوق بگنجانیم، گرچه نسبت فقه و حقوق، عموم و خصوص من وجه است. ولی به خاطر نارسایی دو نظام موضوعی سنتی و جدید، این طبیعی است. از طرف دیگر، بسیاری از مدخل‌های فقهی و حقوقی که جذابیت زیادی در ارتباط با امام داشته، آورده نشده است. مثلاً ما منابع زیادی در مورد قضاوت‌های حضرت داریم، اتفاقاً بسیار هم مورد نیاز جامعه امروز ماست، می‌توانستیم این‌ها را یا مسائل مشابه را بیاوریم. روی کرد دیگری که اگر تقسیم‌بندی به آن صورت بود، منطقی‌تر می‌نمود، اگر مباحث قرآن و مباحث ولایت را در دو سر فصل مجزا قرار می‌دادیم، انسجام موضوعاتمان کامل‌تر می‌شد. قرآن سه مدخلش یعنی وحی و معرفت و حیاتی، قرآن شناسی و روش تفسیر قرآن در جلد اول، بخش حکمت و معرفت آمده است؛ در بخش سیره هم امام علی در قرآن و آیه ولایت و آیه میاهله را داریم. مباحث ولایت هم پراکندگی دارد، امامت و خلافت و ادله و نصوص امامت علی (ع) در بخش نبوت و امامت آورده شده، مقالات غدیر و سندشناسی غدیر و سقیفه در تاریخ آورده شده است. طرح این مداخل در یک قسمت مجزا - با توجه به این که ولایت حضرت، همواره مطمئن نظر اندیش‌مندان است - بهتر بود. در بحث تاریخ، به‌تر بود عناوینی مانند: همسران، به خصوص حضرت فاطمه (س)، اهل‌بیت و فرزندان، به خصوص امام حسن و امام حسین (ع) اضافه می‌شدند و جای این مداخل در این بخش کاملاً خالی است. مایل نیستم در این زمینه خیلی انتقادی سخن بگویم، زیرا ساختار موضوعی صد در صد منطقی و استدلالی نیست و شالوده‌ای از ذوق نیز در آن وجود دارد. در هر حال مباحثی هست که به‌تر بود مطرح می‌شد که مطرح نشده است، مانند عدالت امام علی (ع) به عنوان یک سرفصل، که در سیره حضرت بسیار مهم است، کرامات و معجزات حضرت، مدایح و مراثی که برای حضرت گفته شده، کلاً امام در ادبیات، البته مدخل مشابهی با عنوان تأثیر امام علی (ع) بر ادبیات فارسی آورده شده است، ولی با آن متفاوت است. مباحث امروزی و مورد ابتلای دیگری هم بود که با توجه به روی کرد این دانشنامه در پاسخگویی به مسائل روز، مهم‌گذاشته شده است. در مجموع این‌ها کمبودهایی است که تا حدی در کار طبیعی است و من قصد تنقیص ندارم.

* طارمی: با تشکر از آقای سمعی، بی‌تردید دوستانی که زحمت

کشیدند، بر برخی از این مناقشات پاسخ‌هایی دارند، تردیدی نیست. منتها اگر اجازه فرمایید بحث را جلو برده و در فرصتی دیگر به این موضوع باز گردیم و از توضیحات جناب آقایان رشاد و اسفندیاری استفاده کنیم. ما تا الآن دو مطلب را طلب داریم یکی همان سیر کار است که نتوانستیم استفاده کنیم، دوم در باره نکاتی که در ساختار موضوعی گفته شد. من اجازه می‌خواهم که این نکته را به این صورت بیان کنم که دو عنصر مقوم در عنوان دانشنامه - اگر آن را مساوی با دایره‌المعارف (با معنای امروزی کلمه) بگیریم - وجود دارد که اگر نباشد، جعل این اصطلاح، محل تأمل می‌شود، یکی بحث الفبائی است که در مورد آن باید تأمل کنیم، دوم جامعیت موضوعی است که به آن پرداخته شده است. ظاهراً نسبت به این جامعیت و ساختار ارتباطی موضوعات برخی از ملاحظات هست. باز تأکید بر این نکته دارم که این کاری بزرگ است و ما فقط می‌خواهیم این چیزهای کوچک هم در آن نباشد. بنده قطعاً از زمانی که با این کار آشنا شدم جزء کارهای بسیار ارزش‌مند سالی می‌دانم که به نام امیرالمؤمنین (ع) نام‌گذاری شد و در مجموعه کارهای زیادی که انجام شد و ما توفیق پیدا کردیم که اکثر این کارها را در این سال‌ها بررسی کنیم، قطعاً یکی از بهترین کارها و تلاش‌هایی است که در این سال شد و در این تردیدی نیست. بحث بعدی را در خدمت آقای انصاری استفاده می‌کنیم با عنوان اجرای ضوابط و معیارهای دانشنامه‌نگاری؛ با توجه به تجربه‌ای که آقای انصاری در دایره‌المعارف نویسی دارند و از پیشگامان این فن در کشور ما محسوب می‌شوند از ایشان خواهش کردیم که دانشنامه امام علی (ع) را از این منظر نگاه کنند.

* انصاری: من بر می‌گردم به بیانات زیبا و شیوای آقای اسفندیاری در مورد دانشنامه؛ ابتدا باید بررسی کرد که اصطلاح دانشنامه، به چه دلیل و با چه منطقی از دیدگاه معرفت‌شناسی وضع شده است، با توجه آن می‌توانیم به شیوه‌ها و معیارهای نگارش دانشنامه برسیم. دانشنامه‌ها و دایره‌المعارف‌ها را می‌توان از لحاظ ظاهری و ساختار شکلی، با توجه به مطالبی که گفته شد و آقای رفیعی فرمودند توصیف کرد. اما این ساختار ظاهری یک منطق درونی دارد که اگر آن منطق را کشف کنیم، گمان کنم که بحث ما خیلی روشن‌تر، قابل پی‌گیری باشد. اصطلاح دانشنامه از دو جزء دانش و نامه تشکیل شده، به عنوان نمونه

علی



عرض می‌کنم که آقای دکتر شفیمی کدکنی هم در حاشیه کتاب تاریخ نیشابور حاکم تذکر فرمودند، که من هم حاشیه‌ای در این مطلب خواهم داشت. ابن حجر عسقلانی در کتاب لسان المیزان به شرح حال ابن سینا شیخ رئیس می‌رسد، می‌فرماید: "ما روی من العلم شیئا" آقای دکتر شفیمی آن را حمل بر این کرده‌اند که معنای علم در این جا مطلق علم است و ظاهراً ابن حجر چندان در گیر علم حدیث بوده که ابن سینا را عالم نمی‌دانسته است، در حالی که معنایی که در کلام ابن حجر است، معنای بسیار مضبوط و دقیقی است. تعبیر محدثین از علم، علم حدیث بوده؛ وقتی العلم می‌گفتند، علم حدیث بوده، وقتی می‌گویم "ما روی من العلم شیئا" یعنی حدیث روایت نمی‌کرد و درست است زیرا ابن سینا اهل روایت حدیث نبوده است.

تعبیر دانش هم از همین قبیل است، ما باید ببینیم که قدما در مورد دانش چه فکری می‌کردند، این که ما دانشنامه علائی را مثالی برای دانشنامه امام علی (ع) قرار دهیم و بگوییم این کار به همان سباق نوشته شده است، گمان می‌کنم نیاز به تأمل دارد. از دیدگاه قدما به خصوص در میراث و تفکر یونانی، علم و دانش، در حقیقت، تجلیات عقل نظری و عملی است. عقل انسان در ارتباط با عقل فعال و دریافت‌هایی که از عقل فعال می‌کند به مراتبی از علم می‌رسد، که آن علم ظهورش در دسته‌ای از علوم است که در کتاب‌های فلسفی بحث می‌کنند و مراتب تقسیم‌بندی کتاب‌های فلسفی را به بحث می‌گذارند. این مسکویه در مراتب العلوم به این نکته توجه داشته است و طبیعت کتاب احصاء العلوم فارابی هم به همین مسئله بر می‌گردد، یعنی فارابی شخصی نبوده که بخواهد علوم عصر خود را تقسیم‌بندی کند. دانشنامه علائی در واقع می‌خواست، ترتیب یا منطبق علوم زمانه را که در نظر ابن سینا اصلاً دانش همین است تدوین کند. البته ققها و محدثین در بحث دعوی عقل و نقل به این نتیجه رسیده‌اند که این حرفی که فیلسوفان می‌گویند، درست نیست، ما غیر از عقل هم منبع دریافت دانش داریم که وحی است و از یک منطبق دیگری تبعیت می‌کند. آن منطبق، منطقی است که در روایات ما وجود دارد، در کلمات پیامبر و ائمه هست، گفته‌اند علم فقه و علم اصول هم هست و در مورد این‌ها بحث کرده‌اند و در دانشنامه‌هایی که به علوم نقلی پرداخته‌اند از این منظر نگاه کرده‌اند. بنا بر این "دانشنامه" این نیست که کسی نامه‌ای برای دانشی

بنویسد و در این دانشنامه ناظر بر یک دانش خاص باشد که در طول کتاب بحث می‌شود که چیست. "دانشنامه" در واقع، نامه و کتابی است که به دانش و مطلق دانش پرداخته است. تمام دانشنامه‌ها در فرهنگ قدمایی ما به این معنا، دانشنامه هستند. اما در فرهنگ جدید و عصر مدرن، که چگونه به دایره‌المعارف رسیده است، آن هم به تبعیت از عصر روشنگری و دریافتی بوده است که متفکران اروپا در مورد دانش، رنسانس و در مورد بازگشت به یونان داشته‌اند و با نگاه تازه‌ای که نسبت به تمام آدم و عالم و منابع معرفتی انسان در این دنیا داشته‌اند به دایره‌المعارف رسیده‌اند. بنا بر این موضوعی بودن، الفبایی بودن و چگونگی مدخل‌یابی، مباحث ثانوی است. مهم این است که آیا ما



سمیعی :

در مسائل امروزی و مسائل مبتلا به روز، دانشنامه پیش‌تر به جنبه‌های کلیات مسائل پرداخته است. ریز و دقیق و جزئی با ابزار نوین به مسائل پرداخته نشده و این ناشی از آن است که تنها از دید حوزوی به سوژه‌ها نگاه شده است

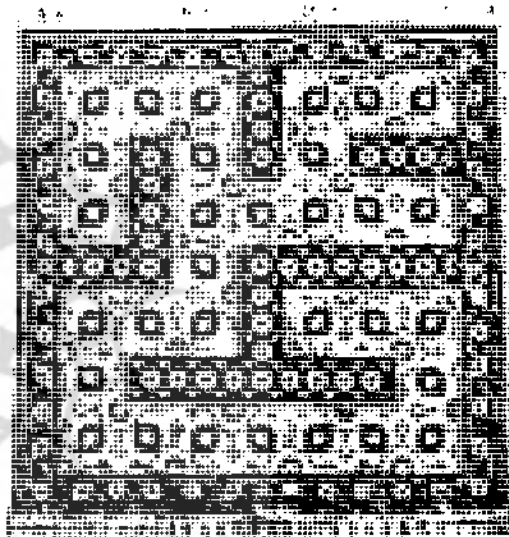
می‌توانیم برای امیرالمؤمنین تعبیر دانشنامه را بکار ببریم، البته با توجه به تعبیر قدمایی و تعبیر مختص کلمه، شاید نتوان آن را بکار برد. اما دست‌اندرکاران مجموعه‌ای با توجه به جامعیت نسبی که یک مجموعه دارد، یک مجموعه را بعنوان دانشنامه معرفی کنند، با توجه به نمونه‌های متعددی که آقای رشاد هم اشاره فرمودند وجود دارد، به نظر بلا اشکال است. اگر ما به بحث بر گردیم و آیا دانشنامه مفهوم قدمایی و مفهوم مختص آن است، ملاک‌ها و معیارهای آن چیست، چون در این جا، دانشنامه به معنای اصطلاحی به کار نرفته است، پس ملاک‌ها و معیارهای خاصی را نمی‌توان در این بحث مطرح کرد و باید معنای ثانوی را انتخابی و گزینشی بدانیم که هر کس می‌تواند آن را در عنوان کتابش بگذارد. در آن صورت معیارهای گزینش و انتخاب را باید به عهده نویسندگان گذاشت. آن‌ها بنا بر مقتضیات کارشان، و این که گاهی نویسنده‌ای در موضوعی داشته یا نداشته‌اند، انتخابی کرده‌اند و یک سری ترتیب و ترتیبی قائل شده‌اند. به طور نمونه من که در این

می‌توان این مجموعه را نتیجه پژوهش‌های حوزویان در مورد امام علی (ع) برآورد کرد. البته این که حوزه به آن حد از بلوغ رسیده که می‌تواند مجموعه جامعی از آن حضرت ارائه کند بسیار خوب است. ولی از جهت این که تأکید دست‌اندرکاران دانشنامه بر این استوار بوده که مسائل روز و مباحث و دغدغه‌های امروزی را هم پوشش دهند، شاید بهتر بود که از زوایای دید دیگر پژوهش‌گران هم استفاده می‌شد

۴۰۰ سال پیش، تقریباً مصادف با مرحوم علامه مجلسی، یکی از علمای زیدیه بنام اسحاق بن یوسف از نوادگان منصور بالله از عالمان زیدیه، در یمن کتابی بنام تفریح الکروب دارد، این کتاب هنوز چاپ نشده و نسخه‌های خطی آن به همت جناب آقای خرازی به ایران آمده و آن شاء الله به چاپ خواهد رسید. این کتاب، کتاب مفصلی به ترتیب الفبایی است، وجوه شخصیتی امیرالمؤمنین را به ترتیب الفبایی مورد بحث قرار داده است که به طور مثال تمام صفاتی که برای حضرت امیر در کلام پیامبر است، یا آیاتی که قابل تعبیر برای حضرت امیر است، منظم و مرتب در ۴۰۰، ۵۰۰ صفحه نوشته شده است که امیدواریم این کتاب هم به چاپ برسد. به هر حال دانشنامه امام علی (ع) که به همت آقای رشاد چاپ شده، به نظر من، کتابی در موضوع خودش مستقل است و این که بخواهیم آن را از لحاظ دایره‌المعارف‌ها و منطبق حاکم بر آن‌ها، ملاک‌ها و معیارهای دایره‌المعارف‌نویسی، مورد بررسی قرار دهیم، گمان می‌کنم کمی خروج از بحث باشد.

* طارمی: با تشکر از آقای انصاری، در واقع شما مطلب خود را بیان کردید و پاسخ به پرسش را دادید و آن را از اساس منتفی کردید. ما از جناب آقای محمد دشتی هم دعوت کرده بودیم که در این جلسه خدمتشان باشیم، ظاهراً به علت مشکلاتی که برایشان پیش آمد، نتوانستند تشریف بیاورند. یکی از پرسش‌ها در مورد هر کار دایره‌المعارفی، حال با تمام توضیحی که جناب آقای انصاری فرمودند، گمان می‌کنم در این موضوع ما با دست‌اندرکاران دانشنامه امام علی(ع) اتفاق نظر داریم که این کار جامعیت دارد. این است که کاری با این بزرگی و گستردگی، آیا در تدوین و تألیف از مجموعه ظرفیت‌های موجود اهل علم و فضل و صاحبان قلم، به بهترین صورت ممکن، استفاده شده یا نشده است؟ این کار، بررسی آماری لازم دارد که ما در خدمت آقای سمیعی برای شنیدن مباحث ایشان هستیم.

* سمیعی: آماری که من تهیه کرده‌ام، با استفاده از بخشی بوده که در جلد درآمد، به معرفی پدیدآورندگان مقالات مختلف تخصیص داده شده است و مانند دیگر بخش‌های آن جلد، بخش بسیار جالبی است. تعداد کل پدیدآورندگان مقالات ۱۰۴ نفرند که همگی مرد هستند. اگر از خانم‌های اندیش‌مند هم استفاده می‌شد، به خصوص در مباحثی مانند حقوق زنان که اصالتاً مربوط به خانم‌هاست، شاید نگاه‌ها و زاویه دیدهای متفاوتی هم مطرح می‌شد. متوسط سن پدیدآورندگان ۴۴/۵



کتاب ملاحظه می‌کردم خیلی کم به اندیشه سیاسی پرداخته شده است. مراد من از اندیشه سیاسی در واقع ذهنیت حاکم بر نویسندگان دنیای قرون وسطای اسلامی درباره دولت و مفهوم دولت است؛ این خیلی موثر است که ما بتوانیم رفتار امیرالمؤمنین را بحث و تشریح کنیم. بنده معتقدم تا وقتی که ما نتوانیم تعابیر حتی خلفای راشدین دیگر، یا مسمی بالراشدین، را به بحث منطقی و تاریخی بگذاریم، کلمات امیرالمؤمنین در نهج البلاغه هم قابل شناسایی نیست. مفهوم امت یا جماعت یا فتنه یا مفهوم حبل الله، حکم الله و سلطان الله، تعابیری نیست که فقط در کلمات حضرت امیر آمده باشد، در تعابیر دیگران نیز هست. ما باید این‌ها را در آن سیاق بحث کنیم. این مجموعه کمتر به بحث خلافت و دولت به مفهوم عامش و این که سابقه آن چگونه بوده، پرداخته است. شاید کتاب آقای مادلونگ می‌توانست خیلی به این مجموعه کمک کند. به هر حال مجموعه، مجموعه‌ای است که ملاک‌های خودش را داشته و در انتخاب این ملاک‌ها آزاد بوده است. به نظر من این دانشنامه حضرت امیر را باید دومین دانشنامه حضرت امیر دانست. چون در تاریخ ما - این طور که در نظر من است - کس دیگری دانشنامه‌ای برای حضرت امیر نوشته است، آن هم در حدود



رفیعی:

نه تنها ترتیب و چینش موضوع ها و عناوین و مدخل ها، بلکه نوشتن مقالات، ورود و خروج مقالات، نحوه ارجاع دهی در مقالات، هیچ کدام در دانشنامه به مفهوم رایج و اصطلاح خاص خودش، وجود ندارد

دارند که ما از آن استفاده خواهیم کرد.

* اسفندیاری: در مورد عنوان این اثر که دانشنامه آورده شده است، در مقدمه کتاب، از قضا اگر توجه فرموده باشید، نخستین مطلبی که روی آن انگشت گذاشته شده و توضیح داده شده است، عنوان آن می باشد. ما در مورد آن گفته ایم که نام اثر را دانشنامه نهادیم و تفاوت آن با دیگر دانشنامه ها و دائرةالمعارف ها چیست و به قول معروف، ما این واژه را در این جنس و فصل معین شده بکار می بریم و نمی خواهیم موجب اشتباه و التباس شویم و یا عندهای را اغوای به جهل کنیم. در مقدمه این را توضیح دادیم. من در نخستین عریضم به همین نکته پرداختم و گمان کنم که منطقی را بحث در الفاظ نیست، مبحث الفاظ او را عارضی است؛ نباید وارد بحث لفظی شویم. البته معتقدم که کلمه دانشنامه هنوز هم مشترک لفظی است، میان آن چه که در این جا به کار برده می شود و دانشنامه جهان اسلام به معنایی که به کار برده می شود و یا دانشنامه ایران و اسلام. ضمن این که مشترک لفظی است، در این معنای جدید، هنوز هنجارهای دائرةالمعارف نویسی کاملاً معین نشده و نشانه آن همین دانشنامه های موجود است که چقدر با هم تفاوت و تناقض دارند. لذا چون مشترک لفظی هم هست شاید اشکالی نداشته باشد، خصوصاً وقتی جنس و فصل را هم تعریف کنید که من این لفظ را می گویم و از آن این معنا را اراده می کنم، که می گویند: سن چون لب گویم، لب دریا بود؛ من چو لا گویم مراد الا بود تا این حد هم توسع اجازه داده شده است.

من وارد بحث علم و دانش نمی شوم، گمان کنم اگر بخواهیم در این مورد به جایی رجوع کنیم، نظر من این است که باید به فرهنگ خودمان یعنی احادیث اهل بیت، مراجعه کنیم، یعنی علم در مفهوم یونانی، برای من شخصاً خیلی مهم نیست و اگر بخواهیم تعریف کنیم از روایات خودمان در می آوریم، فرمودند: *أَتَمَّ الْعِلْمُ ثَلَاثَةً، أَيْهَ مُحْكَمُهُ، وَ سُنَّةَ مَاضِيهِ وَ لَا أَدْرِي؛* اگر قرار شود ما این موشکافی ها را انجام دهیم، سن گمان کنم از فرهنگ خودمان شروع کنیم، بهتر است. اما در مورد مباحثی که آقای سمعی اشاره کردند، بلکه بعضی از مقالات، مقداری مرز مشترک دارد یا همان طور که در تعبیر حضرت عالی هم بود، به یک موضوع از دو زاویه می شود نگاه کرد. در این زمینه، ما فراوان بحث کردیم و گاهی هم به نتیجه ای نرسیدیم، یعنی مبحثی را

سال است، جوان ترین پدیدآورنده، آقای علی رضا هزار، متولد سال ۱۳۵۳ با ۵ مقاله در بخش کتابنامه و مسن ترین، جناب علامه سید مرتضی عسکری با یک مقاله هستند. ۵ نفر از پدیدآورندگان فاقد تحصیلات حوزوی هستند ولی ۹۹ نفر دیگر لااقل اشتغال به درس خارج داشته اند، یعنی اگر آن ۵ نفر را هم از آشنایان با علوم حوزوی بدانیم، که هستند، کلاً می توانیم بگوییم که دانشنامه محصول پژوهش گران و محققان حوزه است. متوسط سطح تحصیلات دانشگاهی پدیدآورندگان، اگر به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از یک تا سه امتیاز دهیم، ۱/۳ است. یعنی اگر به کارشناسی که همان لیسانس است، امتیاز یک تخصیص دهیم، فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) امتیاز دو و دکتری سه، متوسط تحصیلات دانشگاهی ۱/۳ است. ۴۷ نفر معادل ۲۴۵٪ نفر از کل پدیدآورندگان فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند، البته تحصیلات دانشگاهی که ما عرض می کنیم شامل رشته های علوم قرآن، حدیث و الهیات و مشابهات آن می شود.

بنا بر آمار فوق، می توان این مجموعه را نتیجه پژوهش های حوزویان در مورد امام علی (ع) برآورد کرد. البته این که حوزه به آن حد از بلوغ رسیده که می تواند مجموعه جامعی از آن حضرت ارائه کند بسیار خوب است. ولی از جهت این که تأکید دست اندرکاران دانشنامه بر این استوار بوده که مسائل روز و مباحث و دغدغه های امروزی را هم پوشش دهند، شاید بهتر بود که از زوایای دید دیگر پژوهش گران هم استفاده می شد، چون به خصوص در موضوعات جدید، زوایای دید آنان می تواند کارآتر باشد. از نظر گستره جغرافیایی و مذهبی، پدیدآورندگان، متعلق به فرهنگ ایرانی و شیعی هستند. البته اندک پدیدآورندگانی بوده اند که از لبنان و عراق شرکت داده شده بودند، ولی همه در مجموع، متعلق به فرهنگ ایرانی و شیعی هستند. بنا بر این، ما در گستره پدیدآورندگان، اگر از اندیش مندان زن و غیر حوزویان و غیر ایرانیان هم بهره ای می بردیم، شاید این مجموعه نفیس و ارزش مند رنگ و لعاب جهانی پیدا می کرد و می توانست جامع تر باشد.

* طارمی: در حین صحبت های آقای سمعی، استاد محترم جناب آقای خرماشاهی تشریف آوردند. با تشکر از بذل عنایتی که فرمودید و مایلیم که از شما استفاده کنیم و به ما این نوید هم داده شده بود. آقای اسفندیاری درباره توزیع سنی و جنسی و تحصیلی مؤلفان توضیحاتی

کلاً تمام موسوعه‌های از این دست، که می‌خواهند مسائل اسلامی را در معیارهای جدید مطرح کنند، این مشکل را دارند و نظامی را که انتخاب می‌کنند قدری مشوش می‌شود. یعنی از یک سو باید متکی به ساختارهای پیشین باشند، چون بسیاری از مصادیق و منابع و سوابق بحث، در آن ساختارها مطرح شده است و از سوی دیگر، می‌خواهند مسائل امروزی را حل کنند و به نیازهای عصری پاسخ دهند. چون این دو ساختار باهم هم‌خوانی ندارند، نارسایی‌هایی در نظام موضوعی ایجاد می‌شود.

به نظر من، آقای مطهری چون دو فرهنگه بود، موفق بود؛ پس از معارف و علوم دینی، در تهران با معارف جدید آشنا شد، با خیلی از افراد و محافل روشنفکری اختلاط و مصاحبت داشت، تنها به آن‌ها نیاموخته بلکه از آن‌ها چیزهایی اندوخت. هکذا دکتر شریعتی، تحصیلاتش دانشگاهی بود اما دستی هم در علوم اسلامی داشت، در محضر پدر و کانون نشرهای اسلامی تربیت شده بود. تقریباً می‌توان گفت که شخصیت‌های موفق در جامعه ما، شخصیت‌های دو فرهنگه هستند و گمان می‌کنم نویسندگانی که در این مجموعه هستند، نویسندگان دو فرهنگه باشند. به سن افراد هم که آقای سمیعی اشاره فرمودند، باید عرض کنم که ما از سه نسل در دانشنامه استفاده کردیم، یکی استادان، دیگری شاگردان و دیگری شاگردان شاگردان؛ از سه نسل با اختلاف سنی فراوان. اقبال لاهوری گفت: "سخنگو طفلک و برنا و پیر است؛ سخن را ماهی و سالی نباشد" ما هم ماه و سال را در نظر نگرفتیم لذا هم از شاگردان و جوانان استفاده کردیم، هم از استادان و میان‌سالان و هم از پیش‌کسوتان و مشایخ.



* طارمی: در فرصت باقی مانده اجازه فرمایید که از توضیحات دوستانی که زحمت کشیده‌اند استفاده کنیم. به گمانم در مورد دانشنامه و ساختار آن، مطالبی گفتیم، مناقشاتی کردیم و پاسخ‌هایی شنیدیم و مجموعاً جای ابهامی نمانده است. دو بحث دیگر داریم. در دانشنامه امام علی (ع) یکی از کارهای ارزشمند، بخش نمایه است که در مجلد درآمد فراهم آمده و یکی هم بخش مرجع‌شناسی است که باز در همان مجلد ما مجموعه آن را مشاهده می‌کنیم. از جناب آقای مرادی که زحمت تحریر نمایه را کشیده‌اند، تقاضا می‌کنیم، برای ما روش و نوع کار را توضیح دهند و این که چگونه آن را تهیه کرده‌اند سپس از جناب آقای ربانی در مورد بحث مرجع‌شناسی استفاده می‌کنیم. یا توجه به کوتاهی وقت، خواهش می‌کنم که بحث کوتاه باشد تا ما از محضر استاد خرمشاهی هم استفاده کنیم و ان شاء الله در جلسه دیگر باز از زلف یار سخن گوئیم.

* مرادی: با توجه به این که اطلاعات فراهم آمده در این اثر ارزشمند، بسیار فراوان است و از مدخل‌گزینی ریزنگرانه هم استفاده نشده است، تصمیم گرفته شد که ریز اطلاعات ۱۱۰ مقاله فراهم شده،

می‌شد هم در حقوق و هم در علوم سیاسی آورد؛ اتفاقاً آقای سمیعی روی مثال‌های خوبی انگشت گذاشتند و همین هم محل ابتلای ما بود. ما می‌خواستیم ببینیم که صیغه غالب چیست و با کارشناسان و مدیران گروه‌ها مشورت کردیم، هرکس نظری داشت، لذا امکان ارزیابی از این جهت هست. اما به لحاظ بحثی که شد که گستره موضوعی دانشنامه، احیاناً ممکن است جامع نباشد و یا برخی از مباحث و عناوین نیامده باشد، ما در مقدمه به آن اشاره کرده‌ایم چنانچه گفت: "یک عمر می‌توان سخن از زلف یار گفت؛ در بند آن می‌باش که مضمون نمانده است" ما می‌دانستیم که مضمون فراوان است.

در همین تهران مستحضر هستید که در دهه ۴۰، حسن صدر کتابی نوشته است که استقبال فراوانی از آن صورت گرفت و برگزیده شد و نام آن را علی مرد نامتناهی نهاد، کسی هم به او اشکالی نگرفت؛ به هر حال بشر، نامتناهی نمی‌شود و تنها خدا نامتناهی است. با چنین تصویری که ما از امیرالمؤمنین با آن سعه شخصیت علم و دانش داریم، قطعاً می‌توان گفت که: "گر بریزیم بحر را در کوزه‌ای" ما دانشنامه را کوزه‌ای تلقی کردیم و هرگز ادعا نمی‌کنیم که به جامعیت رسیده‌ایم و همه زوایای موضوع را قاپیدیم و هیچ عنوانی را فرو گذار نکرده‌ایم. اما در مورد توضیحات دیگری که آقای سمیعی اشاره کردند نخستین و جالب‌ترین نکته‌ای را که اشاره فرمودند و حضرت آقای رشاد هم از ابتدا نسبت به آن فراوان تأکید کرده بودند، آن

بود که فرهنگ دانشنامه، مرد محور نباشد، از کسان دیگری هم استفاده کنیم لابد کتاب آقای دکتر براهنی را مشاهده کردید که تاریخ مذکر دارد. ما هنوز تاریخ‌مان، تاریخ مذکر است و فی الجمله فرهنگ‌مان، فرهنگ مذکر است. ما سعی کردیم که فرهنگ‌مان مذکر نباشد، به خیلی از خانم‌ها سفارش مقاله دادیم؛ نوشتند، ولی پسندیده نشد؛ جرح و تعدیل شد و ویرایش علمی شد و نمره قبولی را نیاورد. اما ما کوشیدیم اگر نتوانستیم بحث دیگری است. در مورد یک‌دستی فرهنگی نویسندگان که فرمودند، به نظر من، قدر مشترک نویسندگان، دو فرهنگه می‌باشند. اگر توجه شود، خیلی‌ها و یا اغلب. همان طور که آقای سمیعی اشاره فرمودند. تحصیلات حوزوی دارند؛ اما همان اغلب، تحصیلات دانشگاهی هم دارند.

گمان کنم که یکی از عبرت‌های روزگار ما باشد که شخصیت‌های موفق در کشور ما لااقل شخصیت‌هایی هستند که دو فرهنگه باشند.

تعمیر پیشنهادی من، که در اول دوستان هم پسندیدند، اندیشه نامه بود، ولی به توصیه بسیاری از اساتید عزیز، به خصوص استاد ارجمند آقای خرمشاهی، نام دانشنامه بر این مجموعه نهاده شد



نمایه سازی شود. این مجموعه با این که دانشنامه است و علی القاعده نباید نمایه سازی مستقلی در آن صورت گیرد، ولی به خاطر کلی بودن محورهای اصلی، نمایه سازی ضروری می نمود. از وقتی که مجلدات برای چاپ آماده می شدند، از آغاز تا پایان جلد دوازدهم را در زمان دو الی سه ماه، دو بار مطالعه کردیم، یعنی هر مجلد را دو نفر خواندند و کنترل هم شد و همه اطلاعات به دقت نمایه سازی شد. گزینش نمایه ها با این نگاه انجام شد که چه نمایه ای می تواند برای کاربر جذابیت داشته باشد، بنا بر این اطلاعات فراهم آمده، تنها بخشی از آن چیزی است که در این مجموعه عظیم است. بر این باور هستیم که بیش از ده هزار عنوان نمایه فراهم شده باشد، یعنی هر مدخل اصلی به طور متوسط، حدود صد عنوان مدخل فرعی دارد. نمایه ها به صورت موضوعی طبقه بندی شده اند و صرفاً الفبایی نیستند و این یکی از ویژگی های ممتاز این مجموعه است و حسن آن در این است که اگر کسی مدخلی در این نمایه ها بکارش می آید و در پی آن است تا مورد استفاده قرارش دهد، آن مدخل با قیودی همراه آمده که نویسندگان، آن قیود را مورد توجه قرار داده اند. همه آن چه لازم است در نمایه به صورت مفید یا با صفت بیاید، ذکر شده است، اگر قیدی بوده آمده و اگر نبوده نیازی به جستجوی کاربر در داخل متن نخواهد داشت و نمایه ها برای او کافی خواهد بود.



از آن جا که نمایه سازی به زبان طبیعی است، انتزاعی صورت نگرفته است و هر آن چه که نویسنده ها در صدد القای آن بوده اند و قلم نویسندگان در مورد آن نوشته اند، همان الفاظ در نمایه ها استفاده شده است. مزیت این روش آن است که هم مراجعه کنندگان به صورت طبیعی به سراغ آن واژه ها می روند و هم عین همان واژه را در متن می یابند. در این طرح نمایه سازی، از ارجاعات هم استفاده شده اگر احتمالاً نویسنده از واژه ای استفاده کرده که آن واژه مترادفات دیگری در کاربرد عمومی دارد و به طور معمول استفاده کنندگان برای به دست آوردن اطلاعاتشان سراغ آن می روند، از آن واژه به نمایه اصلی ارجاع داده شده است. در طبقه بندی اطلاعات فراهم آمده سعی شده که در ذیل هر یک از عناوینی که نمایه های فراوانی دارد، طبقه بندی درونی صورت گیرد، مثلاً مجموعه نمایه های مربوط به امام علی (ع) چندین صفحه را در بر

می گیرد، همین طور سعی شده است که عناوین فرعی که کلان تر هستند عنوان های فرعی دوم و سوم قرار گیرند و اطلاعات آن ها در زیر هر یک باز طبقه بندی شود تا دستیابی به آن ها آسان تر باشد. این کار باعث می شود که استفاده کنندگان، راحت تر اطلاعاتشان را به دست آورند و اگر احیاناً کاربران می خواهند از طریق رده الفبایی، نمایه ای را جستجو کنند، ارجاع لازم فراهم آمده تا فلسفه وجودی نمایه سازی در این جا جلوه گر باشد و آن آسان یاب کردن اطلاعات مورد نظر است. در نمایه سازی این مجموعه، اعلام، کتاب ها، اماکن و موضوعات مختلف علمی کنار هم قرار گرفته اند. به نظرمان می رسد که هر موضوع، شخصیت و حتی کتابی که در صفحه یا نیم صفحه ای یا در پاراگرافی از دانشنامه امام علی (ع) مورد بحث قرار گرفته و نویسنده در مورد آن قلم زده است را به عنوان مدخل انتخاب کنیم و نمایه های فرعی آن را هم در ذیل همان آورده ایم. در نتیجه تفکیکی صورت نگرفته است و این حسنی برای مجموعه است. به هر حال آن چه که ما تلاش داشتیم در نمایه سازی انجام دهیم خیلی مختصر خدمتان عرض کردم و اگر نیاز به توضیح بیش تری است در فرصت مناسب دیگری توضیح خواهیم داد.

* طارمی: باتشکر از آقای مرادی احتمال می دهم که دوستان سوالاتی داشته باشند، اما اجازه می خواهم که قبل از این که به بررسی و مطرح شدن سوالات بپردازیم، از آقای ربانی هم خواهش کنیم که بحث مرجع شناسی را بفرمایند و فرصت را همان ۵ دقیقه تلفی کنند.

* ربانی: با توجه به کمی فرصت، توضیح مختصری را عرض می کنم. با توجه به این که عنوان مجموعه، دانشنامه است، شاید بحثی به نام مآخذ شناسی تناسبی با این مجموعه نداشته باشد. منتها برای جامع تر شدن طرح، در انتهای مجموعه، مهم ترین منابعی را که مرتبط با بحث های آن حضرت بود، بدون آن که کتاب شناسی از تمام منابع ارائه کنیم آورده ایم. این بخش در دو قسمت سامان یافته است. یکی آثاری که در ارتباط مستقیم یا خود آن حضرت است، شبیه نهج البلاغه و دیوان منسوب به امام علی (ع) که در مورد این ها گزارشی ارائه کردیم. در قسمت دوم کتاب های مرجعی که در طول تاریخ در مورد آن حضرت نگاشته شده است، معرفی شده اند. سعی شده در این قسمت، معیارهایی را برای این آثار در نظر داشته باشیم که شامل موضوعات گوناگونی در

شنیدم که در بعضی مقالات دانشنامه، فرموده بودند سنت هم می‌تواند ناسخ قرآن باشد؛ تا جایی که من بیاد دارم این قولی است که ما به اهل سنت ایراد می‌گیریم، برای این که قرآن قطعی الصدور و سنت در اوج خودش ظنی الصدور است. ما برای سنت باید خیلی تلاش کنیم تا بتوان گفت که سنت یا حدیث صحیح است ولی نمی‌توانیم بگوییم که قطعی الصدور است

که من در آن حضور دارم. در اولین جلسه که جلسه اختتامیه طرح بود، جناب آیت الله استادی، عکس فرمایش شما را فرمودند که ما در این جا می‌خواهیم اعتراضی به دانشنامه‌نویسان کنیم، از جمله دانشنامه‌ای که حضرت تعالی (آقای طارمی) در آن مسئولیت دارید و اسم بردند، دانشنامه جهان اسلام و دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، که چرا در این دانشنامه‌ها تقریباً از هیچ حوزوی استفاده نشده است یا از تعدادی انگشت شمار استفاده می‌شود، مگر در حوزه کسی نیست که در مورد اسلام مطلبی بلدند و فقط در تهران و در دانشگاه هستند. ما در این جا خواستیم که نشان دهیم که حوزویان می‌توانند. البته شما می‌توانید در این جا اشکال بگیرید که حوزویان با روش کار آشنا نیستند ولی آن قابل اصلاح و ترمیم است. با توجه به این که وقت گذشته است گزارشی نمی‌دهم.

* طارمی: یا تشکر از آقای برنجکار. سؤال ما این بود که شما از میان چه تعداد افرادی که به آن‌ها مراجعه کردید توانستید مقالات را فراهم کنید. چون برای ما که مراجعه می‌کنیم مشاهده می‌کنیم که ۱۱۰ مقاله ۱۰۴ نفر نوشته‌اند. اما به چند درصد افراد، مراجعه شده و چند نفر از این‌ها به شما پاسخ مثبت دادند و چند درصدی در پاسخ خود پایدار مانده و نوشته‌اند. این جالب است و قابل تأمل و توجه است. جناب آقای سمیعی فرمودند که از مؤلفان زن در مجموعه کسی نیست. گمان می‌کنم می‌شد به آن اندیشید، من می‌توانم افرادی را به خاطر بیاورم که مؤلفان خوبی از خانم‌ها هستند. این سؤال هم در این جهت است که دانشنامه و هر کاری که در جهت علمی است و می‌خواهد نشان‌گر ظرفیت علمی جامعه باشد، بهتر است که در جذب پژوهش‌گران حوزه و دانشگاه بیش‌تر تلاش کند؛ ما در واقع پیشنهاد دادیم چون نمی‌دانیم که شما چه زحمتی را کشیده‌اید. اما این نکته قابل توجه است که اساساً با توجه به این که من هم درگیر این مسائل هستم. الان نسل جوان‌تر ما چه در حوزه و چه در دانشگاه‌ها قابلیت و توانایی بیش‌تری برای ارائه مقالات در سطوح معیارها دارند. یعنی ما باید از تجربه قدما از حیث محتوا و مباحث علمی آن استفاده کنیم و هم از حیث ساختاری و جهات فنی و قابلیت‌هایی که آن بزرگواران به ما منتقل کردند ولی جهت ارائه مقالات، بین نسل جوان افراد بیش‌تری را می‌توان پیدای کرد.

بنابر این چندان شگفت نیست اگر از بین ۱۰۴ مؤلف شما میانگین سنی ۳۴ سال است و این نشان‌دهنده ثمری است که این بیست و چند سال داده است. اما نکاتی که آقای سمیعی فرمودند، شاید برای آینده، استفاده از مؤلفین غیر ایرانی و مؤلفان خارجی بتواند جامع‌نگری کار را بهتر نشان دهد. اما در مورد دانشنامه جهان اسلام هم عرض می‌کنم که ما از خود جناب آقای برنجکار، مقاله گرفتیم از فضایی حوزه مقاله گرفتیم و خواهیم گرفت و این کار را انجام خواهیم داد و معتقدیم که الان حوزه ظرفیت‌های فعلیت یافته‌ای برای ارائه مقالات علمی دارد و

مورد آن حضرت اعم از سخنان، تاریخ، سیره، ولایت و بحث‌های دیگری است. ما در قسمت دوم در مجموع، ۲۲ کتاب مرجع را با گزارشی در مورد محتوا، بررسی ساختار و بالاخره با بحثی تحت عنوان نسخه‌شناسی معرفی کرده‌ایم.

* طارمی: حضور جناب آقای برنجکار و آقای یوسفی که هر دو بزرگوارانی هستند که در تدوین این کار زحمت کشیده‌اند، بر ما این فضل را می‌آورد که از تجربه و زحمتی که دوستان کشیده‌اند، بشنویم. آقای برنجکار مسئولیت بخش حکمت و الهیات را برعهده داشته‌اند. حتماً شما در این مورد با دشواری‌هایی روبرو بوده‌اید، از جمله سختگیری و بدقولی مولفان. آقای رشاد. که در پاورقی نوشته‌اند که یک مقاله را به شما تحویل ن داده‌اند. کار را برای دیگر بدقول‌ها سهل کرده‌اند، چون در واقع، خود ایشان دست‌اندرکار بوده‌اند. از توضیحات شما استفاده می‌کنیم.

* برنجکار: در مورد اشکالات آقای سمیعی که فرمودند بهتر بود مقالاتی که مربوط به قرآن و ولایت بود، به صورت مجزا می‌آمد، باید بگوییم، ملاکی که ابتدا بر اساس آن، کارها تقسیم شد، ملاک علوم بود. ابتدا دانشنامه به شش بخش اقتصاد، سیاست حکمت به معنای فلسفه تاریخ و گروه‌های دیگر تقسیم شد و مقاله‌ها هم به این ترتیب عرضه شد. بنا بر این اگر ما چند مقاله‌ای که فرمودید به قرآن و ولایت از دید تاریخی سیاسی و اعتقادی (به عنوان یکی از اصول دین) نگاه شده، این‌ها را اگر ما در جلد جدا قرار می‌دادیم، آن ملاک تقسیم‌بندی ما کاملاً بهم می‌خورد، یعنی دو ملاحه می‌شد. نظامی که شما فرمودید، روش خاص خودش را دارد و ممکن است، به آن شکل هم مفید باشد. منتها ملاک اصلی ما را به هم می‌زد و اشکال پیدا می‌شد. راجع به مسئله تحصیلات دانشگاهی هم تلاش ما این بود که از افرادی استفاده شود که هر دو جنبه را داشته باشند و همان طور که آمار هم داده شد ۵۷ نفر از ۱۰۴ نفر دارای هر دو تحصیلات بودند.

اگر از بعضی از دانشگاهی‌ها استفاده نشد، شاید به خاطر این بود که آن‌ها به ادبیات عربی مسلط نبودند. در شورای علمی تصویب شده بود، نویسنده‌ها در این بخش (بخش حکمت و معرفت) چون می‌خواستند که روایات حضرت را بررسی کنند، باید مسلط به زبان عربی باشند. بعضی‌ها متخصص در فلسفه بودند، اما با زبان عربی آشنا نبودند و سعی ما در این بوده و آمار هم این را نشان می‌دهد که بیش از نصف نویسنده‌ها دانشگاهی بوده‌اند. این ۵۷ نفری که از آن‌ها استفاده شده است، کسانی بودند که اولاً ما شناختی در مورد آن‌ها داشتیم، ثانیاً به ما وقت می‌دادند. ما با خیلی افراد تماس گرفتیم که بعضی‌ها قبول نکردند و بعضی پذیرفتند. در این جا بهتر است که من اشاره‌ای به جلسه قبلی که ما در تهران داشتیم، بکنم. این دومین جلسه در مورد دانشنامه است

الان نسل جوان تر ما چه در حوزه و چه در دانشگاه‌ها قابلیت و توانایی بیش تری برای ارائه مقالات در سطوح معیارها دارند. یعنی ما باید از تجربه قدما از حیث محتوا و مباحث علمی آن استفاده کنیم و هم از حیث ساختاری و جهات فنی و قابلیت‌هایی که آن بزرگواران به ما منتقل کردند ولی جهت ارائه مقالات، بین نسل جوان افراد بیش تری را می‌توان پیدا کرد

همان ابتدا مشخص می‌شد و اساساً طرح‌نامه، یکی از ملاک‌های گزینش مؤلف بود. چون کسی می‌تواند طرح‌نامه موفق بنویسد که در آن زمینه تخصص داشته باشد و با ارائه طرح‌نامه، توانایی مؤلف را می‌سنجیدیم. علاوه بر آن، در نهایت این طرح‌نامه‌ها ملاک قضایاتی بود که آیا محقق به تعهد خودش هم به لحاظ گستردگی مطالب و هم به لحاظ محتوای مطالب متعهد بوده است یا خیر. از طرف دیگر، طرح‌نامه‌ها از تداخل مطالب در مدخل‌های مختلف جلوگیری می‌کردند.

* سمعی: لازم است در مورد بحثی که من در باره استفاده از پژوهش‌گران دانشگاهی مطرح کردم، توضیح بیش تری بدهم. در مورد حوزویان و دانشگاهیان، مسئله این نیست که بعضی از داتره‌المعارف‌ها، از آن قشر بیش تر استفاده می‌کنند و بعضی از این قشر؛ کدام به‌تر هستند یا کدام درست می‌نویسند و کدام غلط؟ بحث از زاویه دید است. این که بیش تر پدیدآورندگان تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند، باز از حوزوی بودن خارج‌شان نمی‌کند.

تحصیلات آنان معمولاً در الهیات و فلسفه و حقوق بوده است. من و جناب آقای برنجکار و جناب آقای مرادی همه تحصیلات دانشگاهی هم داریم ولی اگر بخواهیم جزء گروهی قرار بگیریم، حوزوی هستیم نه دانشگاهی. بحث، زاویه دید است. در مسائل امروزی و مسائل مبتلا به روز، دانشنامه بیش تر به جنبه‌های کلیات مسائل پرداخته است. ریز و دقیق و جزئی با ابزار نوین به مسائل پرداخته نشده و این ناشی از آن است که تنها از دید حوزوی به سوژه‌ها نگاه شده است. با این که از پژوهش‌گران دانشگاهی هم استفاده شده است، آن‌ها پژوهش‌گرانی بوده‌اند که باز همان نگاه و زاویه دید حوزوی را داشته‌اند. اگر در دانشنامه از زوایای دید دیگر هم نگاه می‌شد، جامعیت بیش تری داشت.

* رشاد: همان طور که فرمودند و دوستان مطرح کردند، این میزگرد بسیار برای ما مفید بود. این نکات، در اصلاح کار و ان شاء الله در ویراست دوم، مد نظر قرار خواهد گرفت. اگر از نظر ما بعضی از نقدها و تنقیص‌ها با غرض مثبت و با انگیزه مثبت و انگیزه الهی انجام پذیرفت ولی وارد نبود، باز نشان‌دهنده آن است که کار ما گویا نبوده که مخاطب ما را به اشتباه انداخته است. این نکات مورد نظر ما است و ما



حتماً باید این کار انجام گیرد. حال در خدمت جناب آقای یوسفی هستیم.

* یوسفی: ابتدا بر خود لازم می‌دانم که از برگزارکنندگان این نشست سپاسگزاری کنم. امیدوارم که در تحقق این رسالت گام‌های موفق‌تری بردارند. فقط چند نکته‌ای کوتاه خدمت دوستان عرض می‌کنم. به نظر می‌آید که هر چه نقایص و نواقص کار را بشنویم، برای ما مفیدتر است. چون پدیدآورندگان این مجموعه در صدد بررسی و نگارش ویرایش دوم هستند. اگر به مطلبی هم احیاناً پاسخی ارائه نشود، فکر می‌کنم که خیلی مهم نیست، مهم آن است و ما بیش تر در پی آنیم که نواقص و نقایص کار برای ما هدیه شود که ان شاء الله در بازنگری و ویراست دوم، مد نظر قرار گیرد. به نظر می‌آید که این مجموعه به نحوی سامان داده شده که انعطاف لازم را برای تقویت و تکمیل داراست. مطلب دومی که دوستان هم فرمودند، در گزینش نویسندگان، ملاک‌هایی بوده است، از جمله این ملاک‌ها، سه ملاک اصلی: یکی علمیت، دوم آشنایی به زبان عربی و سوم تخصص در آن مدخل و موضوع است.

فلسفه هر یک از این ملاک‌ها روشن است. برخی بزرگان که از القاب علمی به حقی برخوردار بودند، فقیه مرجع، استاد دکترو یا صاحب تالیف و تحقیق بودند، مقالاتی برای ما ارسال کردند، اما چون ملاک اصلی علمیت مقالات بود، مجموعه حاضر نشد علی‌رغم آن که نویسندگان از ویژگی‌های خاص و مراتب علمی برخوردار بودند، از مقالات آنان استفاده کند، به‌رحال ارزیابی‌های

دقیقی روی علمیت مقاله مورد توجه قرار می‌گرفت. به همین لحاظ نتوانستیم از بعضی اساتید بزرگی که تحصیلات عالی روز را داشتند، بهره ببریم چون به زبان عربی آشنا نبودند. چون ما می‌خواستیم از کلام و سیره امیرالمؤمنین، آن هم به نحو تخصصی استفاده کنیم. قطعاً کسانی که آشنایی کافی با ادبیات عربی نداشتند، در زمینه برداشت صحیح از کلام امیرالمؤمنین کاراً نبودند. لذا این ملاک باعث شد که نویسندگان، با آن ویژگی‌هایی که آقای سمعی فرمودند تعیین شود. در مورد خانم‌ها هم تقاضا شد درخواست شد و آن‌ها نوشتند اما چون معیار و ملاک خود مقاله بود، نه جنسیت مرجعیت فقاقت استادی و دکتری نویسنده، امتیاز لازم کسب نشد. بعد از این که ما با رایزنی‌ها مؤلف و محقق یک مدخل را پیدا می‌کردیم از او طرح‌نامه می‌خواستیم. در این طرح‌نامه هدف از نوشتن آن مدخل، فرضیه تحقیق و روش کار، در

این فرصت را خواهیم داشت که دوستان مان پیش از نشیور متن پیاده شده این میزگرد، آن را ملاحظه کنند. در هر حال جلسه، جلسه‌ای بسیار موفق و برای ما بسیار آموزنده و ارزش مند بود و اگر دوباره تکرار شود و ان شاء الله بحث‌ها تکمیل شود، به‌تر است. در خصوص دانشنامه، ساختارش و طبقه‌بندی و ترتیب آن، این نکته را بر آن چه که دوستان فرمودند اضافه کنیم که مفاد و مواد این دانشنامه را اگر چون دانش بنگرییم این طبقه‌بندی و ترتیب منطقی نیست. اگر تصور کنیم و انتظار، چنین باشد که جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و فلسفه از دیدگاه امام علی (ع) را بر اساس طبقه‌بندی علوم بنگرییم این ترتیب و ساختار، مناسب نیست. ولی من در آغاز عرض کردم که ما به محتوا، مواد و مفاد فراهم آمده در این مجموعه، چونان آموزه باید نگاه کنیم نه چونان دانش. از همین جهت است که من عرض کردم تعبیر پیشنهادی من، که در اول دوستان هم پسندیدند، "اندیشه‌نامه" بود، ولی به توصیه بسیاری از اساتید عزیز، به خصوص استاد ارج‌مند آقای خرمشاهی، نام دانشنامه بر این مجموعه نهاده شد.

در خصوص کاستی‌های مقالات مقالاتی هنوز در اختیار داریم (در حدود ۴۰ مقاله) اما این‌ها نصاب لازم را طبق شیوه‌نامه‌ای که تدوین شده بود نیاوردند. بررسی موضوعات، یلی می‌خواست که از مستندات کم، محتوای کافی استخراج کنیم. من در خصوص دانشنامه فرهنگ فاطمی از جمله مشکلات کار را به محضر علامه بزرگوار آیت الله جوادی‌آملی عرض می‌کردم که ما مشکل مستندات داریم. ما مطلب، سند، عبارات و نقلیات از فاطمه (س) کم داریم چه‌گونه می‌توان مطلب استخراج کرد. ایشان فرمودند که مردی باید که بتواند استخراج کند، مثلاً ما از یک عبارت "لَا تَنْقُضُ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ" سه جلد کتاب می‌نویسیم، ولی شیخ انصاری‌هایی بودند که چنین کردند. البته عرض کردم که اگر شما در عصر ما بتوانید دو تا شیخ انصاری به ما نشان دهید، ما می‌توانیم چنین مجموعه‌ای را بنویسیم ولی کجاست شیخ انصاری! من فکر می‌کنم فعلیت کشور ما هم محدود است استطاعت علمی کشور در بعضی از حوزه‌ها محدود است.

به هر حال در حوزه‌های مانند اقتصاد، کم کار کرده‌ایم و آن هم به این شکل محدود که بخواهیم اقتصاد از نظر یک معصوم را بحث کنیم. اگر مقصود، این بود که اقتصاد را از دید همه معصومین و یا از دیدگاه اسلام بحث کنیم، دست‌مان بازر تر بود و به‌تر می‌توانستیم کار کنیم. محدودیت‌هایی از این دست هم هست و همین که ما در کنار این ۱۱۰ عنوان مقاله، ۴۰ مقاله کنار نهاده شده داریم، نشان‌دهنده این است که توانایی ما محدود است. بعضی از موضوعات در دانشنامه آمده و برای اولین بار به این موضوعات پرداخته شده است و ما هنوز مجال کافی نداشته‌ایم که نوآوری‌هایی را که به لحاظ ساختاری نکته‌هایی را که کسی شکار کرده و احياناً ممکن است نظریه تازه‌ای در بعضی بخش‌ها طرح کرده باشد یا به موضوعات جدید با روی کرد نو نگریسته شده باشد این‌ها را به نوعی استخراج کنیم و به صورتی گزارش دهیم. ولی فکر می‌کنم

در عین حال، از وجوه مختص این مجموعه روی کرد نو پرداختن به مسائل نو و گاه طرح نکته‌های نو است. عموم مدخل‌ها به اهل تخصص سپرده شده است. شما اگر مراجعه فرمایید ملاحظه می‌کنید عموماً دوستانی که در دانشنامه قلم زده‌اند، چه دانش‌آموخته دانشگاه بوده و یا نبوده باشند، متخصص آن موضوع بوده‌اند و ما بیش‌تر، آن را معیار قرار داده‌ایم. در عین حال همان طور که فرموده‌اید اگر ما کمتر توانسته‌ایم از اساتید علمی دانشگاه بهره ببریم، این عذر را داشته‌ایم که تسلط بر منابع دینی در بین دانشگاهیان کمتر است، یا اگر به منابع دینی که عمدتاً عربی است تسلطی باشد گاه بعضی از دوستان دانشگاهی فاقد آن زاویه دینی مورد نظر ما هستند. از این جهت ما از عناصر دوزیست بیش‌تر استفاده کرده‌ایم که هم تعلیمات و معلومات حوزوی و هم دانشگاهی را دارا هستند. در هر حال، نسل امروز حوزه. همان طور که گفته می‌شود من هم جزء منتقدان حوزه هستم اما به جد و در واقع و در باطن از منافعان حوزه هستم. اکنون حوزه بسیار بارور است و توانسته است که ذوالفضلین باشد و در همین موضوعات نو که شما می‌فرمایید اگر به صورت پیمایشی و مقایسه‌ای و به نحو آماری با مسئله مواجه شویم و به مجموعه ادبیات مکتوبی که دست کم طی دهه اخیر در ایران تولید شده مراجعه شود، قضاوت تغییر خواهد کرد و متوجه خواهیم شد که امروز حوزه مولد است حتی در حوزه علوم جدید، علوم انسانی، علوم اجتماعی و حتی در نظریه‌های جدید. صرف این که کسانی در حوزه تحصیل کرده‌اند، روی کرد و زاویه دیدشان متفاوت است، به نظر چنین نیست و در بین فضایی جوان حوزه کسانی هستند که مدرس همین رشته‌ها و همین تخصص‌ها هستند. در هر صورت ما از محضر محبت جمع دوستان و نقدهای مشفقانه، ناصحانه، راهنمایانه و روشنگرانه، بهره بردیم و ممنون هستیم ولی بی آن که از خرمشاهی پربار جناب آقای خرمشاهی بهره‌مند شویم از این جلسه خارج نخواهیم شد عطر وجود ایشان در جلسه پراکنده است و مایلیم که از مشک کلام ایشان هم بهره ببریم.

* خرمشاهی: همان طور که استاد صافقی با آن نثر شگفت‌آور در جلد درآمد نوشته‌اند، واقعاً انسان در مورد مولا به غلو، افراط و یا تفریط کشیده می‌شود، مخصوصاً وقتی که در تنگنای وقت باشد. اما در مورد دانشنامه. من خوش‌بختم که اسمش بجای اندیشه‌نامه، دانشنامه شد، برای این که بر آن ایراد وارد بود که اندیشه‌نامه باید همه از تراویده‌های اندیشه مولا باشد نه در وادی مولا و این ایراد منطقی را سخت می‌شد جواب داد. پیش از همه و بیش از هر چیز باید خدمت سرورانی که در زمان بسیار کوتاه تریک بگویم، من که کمب الاخبار مسائل فرهنگی و مرجعی هستم، وقتی با خیر شدم که مقالات تقسیم شده بود و "أحب الصالحين و لست منهم" و دوست داشتم که برای ارادت به مولا و امتثال امر، من هم بهمیم بودم. چند باری که با جناب آقای اسفندیاری تماس تلفنی داشتم، قرار بر این شد که مستدرکات نهج‌البلاغه را بنویسم ولی دیدم که من توانای مسائل کتاب‌شناختی نیستم و گاهی که تصحیح متون هم انجام دادم مشاهده کردم که کاری

سخت است و به قول امروزی‌ها کاری عمرانه است و کاری نیست که بگویی من به این مسئله می‌پردازم. باید مانند قرآن پژوهی بلا تشبیه، آن که دیگر فرد اعلا است یا حافظ پژوهی یا شاهنامه پژوهی، در پشت این‌ها ۴۰ سال کار لازم دارد. کسی شبانه‌روز تا ۲ سال مدام کار کند، نمی‌تواند به اندازه کسی شود که ذی‌فن است و ما بیش‌تر ذی‌فنون هستیم.

اگر بخواهم مزایای این دانشنامه را بشمارم خود مقاله‌ای مفصل است، اگر بخواهم ایرادهایی را که متوجه آن می‌شود و یا به آن پی می‌برم مطرح کنم آن هم مقاله‌ای است که از من خواسته شده، بلکه بنده خواستم که بنویسم. شکر حق جل‌جلاله که به شما توفیق داد که این کار بزرگ و سترگ را به ملت ایران و به پیشگاه مولا حضرت امیرالمؤمنین و دوستان و عاشقانش عرضه کردید. شیفتگان مولا ما هستیم و همه عالم است و هر آزاده‌ای که برایش بگویم که مولا علی کیست و فرزندان بزرگ او که هستند! شیفته خواهد شد؛ چه کنند که او را نمی‌شناسند؛ حتی چه کنیم که ما خودمان نیز او را کم می‌شناسیم. ملتی که به انتساب و اقتدا به ایشان افتخار می‌کنیم، پس باید بیش‌تر علم داشته باشیم تا تصدیقمان بلا تصور نباشد. خواستم در مورد مصحف مولا بنویسم اما پیش‌تر انتخاب شده بود و دیگر کاری نمانده بود که و لو با کوشش فراوان از من ساخته باشد. نثر مقالات و تقسیم‌بندی‌ها خوب است و باید زیر ذره‌بین نقادی نقادان برده شود تا معلوم شود که جای چه مواردی خالی است. آیا دو مقاله هم‌پوشانی دارند؟ چرا ارجاع درون دانشنامه‌ای نداریم؟ ارتباطی بین دو مقاله نیست که به آن مقاله نگاه کنید. در ضمن آقای مرادی فرمودند که فهرست پایانی که به ده هزار مندخل و یا زیرمندخل بالغ می‌شود، مانند خود دانشنامه موضوعی است. قبول می‌کنم که این شیوه بسیار خوب است اما جانشین الفبایی نمی‌شود.

پس دو گونه می‌گذاریم من می‌خواهم بدانم که مصحف مولا علی در کجا آمده، به سختی می‌توانم مقاله‌ای از ۱۱۰ مقاله را پیدا کنم و در آخر ببینم که الفبایی است یا خیر! این سخت است کار شما بسیار کار درستی است، در واقع همین شیوه را شما گسترده‌تر کردید، یعنی از نظر موضوع شما فرش درشت بافت را ریزبافت‌تر کردید. اما آن یک ره‌یافت و روی کرد دیگری است، اگر من بخواهم بدانم دیوان مولا علی کجاست! ذ و می را پیدا می‌کنم و خیلی راحت به آن می‌رسم. اما اگر من بگویم که در کدام مقاله است اولاً علم غیب ندارم نمی‌دانم در کجا آمده و باید تمامی فهرست را ورق بزنم. فهرست الفبایی مطلق، فهرست عام اشخاص، کتب و سایر آن چه که در این دانشنامه بکار رفته، همان ده هزار تا را الفبایی کنید و در یک الفبایی سراسری بیاید. درینا که من دیر رسیدم. شنیدم که در بعضی مقالات دانشنامه فرموده بودند سنت هم می‌تواند نسخ قرآن باشد؛ تا جایی که من بیاد دارم این قولی است که ما به اهل سنت ایراد می‌گیریم، برای این که قرآن قطعی الصدور و سنت در اوج خودش ظنی الصدور است. ما برای سنت باید خیلی تلاش کنیم تا بتوان گفت که سنت یا حدیثی صحیح است ولی

نمی‌توانیم بگویم که قطعی الصدور است. باز هم قسم جلاله نمی‌توان خورد که این‌از کدام مصحوم صادر شده ولی چون پوشش بشری روش‌های درایت و روایات حدیث هم معین است ما کوشش خود را کرده و در نزد خداوند خود معذوریم. آقایان دیگر نیز چند نکته انتقادی دارند که به نظر من انتقاد را هم باید از برکات الهی شمرد. در مورد ترجمه قرآن کریم شصت و چند و حافظ‌نامه سی و چند انتقاد نوشته‌اند. گاه ممکن است که انسان آزرده شود که لحن‌ها بد است، نمی‌دانند که چه رنج‌ها کشیده شده است. البته وقتی متوجه شدم که آقای مهندس طارمی اداره جلسه را به عهده دارند، گفتم چه خوب کسی را برای اداره جلسه انتخاب کردید که از درون می‌داند که ما چه رنجی بردیم. چنان که در مورد دائره‌المعارف تشیع، خیلی‌ها نمی‌دانند که ما با چه مزارت‌ها و با تک‌فروشی این جا را می‌گردانیم. یعنی در دولت کریمه تشیع، از حد اقل امکانات از آخرین جلدهایی که ما روی دهمین آن کار می‌کنیم، ارشاد چند نسخه‌ای از ما خریداری می‌کند. نمی‌خواهم دائره‌المعارف مصائب را در این جا تعریف کنم ولی می‌خواهم بگویم که ما این مشکل را داشتیم و ما نمی‌توانستیم حق التالیف دهیم و فقط خانم محبی که مادر و همسر شهید و گرداننده آن جا هستند می‌گویند که ما فقط هزینه رفت و آمد حق‌التحریر و حق‌التالیف اهل قلم را می‌دهیم. اگر پولی می‌خواهید نزد آقای بجنوردی بروید که ۶۰ تومان الی ۸۰ تومان می‌پردازند!

● پس از سخنان استاد خرمشاهی، دو نفر از حضار دیگر سخنانی ایراد فرمودند. ما به دو دلیل متن سخنان آنان را در این جا نمی‌آوریم. اول آن که دیر در جلسه حاضر شده بودند و بیش‌تر مطالبی که مطرح کردند، در طول جلسه بررسی شده بود. دوم آن که به صورت فشرده، نقدهایی را مطرح کردند، که دست‌اندرکاران دانشنامه فرصت پاسخ‌گویی به آن‌ها را نداشتند.

* طارمی: گمان می‌کنم ما در این جلسه نگاهی کلی به دانشنامه امام علی(ع) داشتیم و امیدوارم با پی‌گیری جناب آقای رشاد و دوستان دیگر بتوانیم جلسات دیگری را برای بررسی محتوایی داشته باشیم و خصوصاً این نکته که سرگذشت تدوین دانشنامه را به تفصیل از زبان شما بشنویم. گمان می‌کنم شنیدن این تفصیل از زبان دست‌اندرکاران، لازم باشد مانند آن شعری که می‌خواندیم که مردم روغن کنجد را می‌بینند و نمی‌دانند که بر سر این دانه سمس چه می‌آید؛ در هر صورت توضیح آن برای کسانی که می‌خواهند وارد این وادی‌ها شوند ضرورت دارد. در هر حال، چنین کار بزرگی انجام شده است و همه ما خوش‌بخت و سپاس‌گزاریم و به این توفیقی که شما به دست آورده‌اید غیبطه می‌خوریم و هم آرزوی چنین توفیقی را برای خود داریم. اگر هم نگاهی به برخی از ضعف‌ها و کاستی‌ها داشته‌ایم، بیش‌تر از روی دل‌سوزی و علاقه‌مندی بوده است و اجازه می‌خواهم که جلسه را در همین جا ختم کنم و سخن را با چند بیت از قصاید علویات ابن‌ابی‌الحدید که به حضرت امیرالمؤمنین عرض می‌کند به پایان می‌برم...